

# عقیده

مدرسه علمیه حضرت زینب (سلام الله علیها)  
فصلنامه داخلی پژوهشی عقیده  
سال هجدهم | شماره ۴۰ | زمستان ۹۸

شرح خطبه حضرت زینب علیها سلام در شام



صاحب امتیاز: مدرسہ علمیه حضرت زینب علیہا السلام

مدیر مسؤل: مرضیہ پارسائی راد "رئوف"

سر دبیر: سیدہ اعظم التفاتی فاز

مدیر اجرایی: الہام عبدی

طراح و صفحہ آرا: زهرانجفی

باسپاس ویژه از مسوول واحد پژوهش (خانم وحید)، خانم هامحسنى و امامیان که ما را

در تهیه و تنظیم این شماره نشریه یاری دادند

## بسم الله الرحمن الرحيم



### \*فهرست مطالب\*

۴ | مقدمه

۱۲ | فراز اول خطبه؛ بزرگی حق و حقارت کفر

۲۳ | فراز دوم خطبه؛ تکبر و کفر عامل هتک حرمت خاندان وحی

۲۷ | فراز سوم خطبه؛ اهل بیت علیهم السلام ستارگان زمین

۳۴ | فراز چهارم خطبه؛ سرانجام فاسق در دادگاه عدل الهی

۴۲ | فراز پنجم خطبه؛ باطل نابود شدنی است

۵۳ | فراز ششم خطبه؛ ننگ ابدی برای فاسقان

## مقدمه

شام از ابتدای فتح آن به دست مسلمانان با افرادی چون خالد بن ولید و معاویه بن ابی سفیان به عنوان فاتح و نماینده دین اسلام مواجه بوده و شامیان هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله را ندیده بودند، احادیث او را مستقیماً از خود آن حضرت نشنیده و حتی از نزدیک بر سیره اصحاب پیامبر مطلع نشده بودند.

تعداد کمی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله هم که به شام مهاجرت نموده و مدتی در شام اقامت کرده بودند نیز تاثیر چندانی در مردم نداشتند، در نتیجه، شامیان اعمال امثال معاویه ابن ابی سفیان و اطرافیان او را به عنوان سنت راستین مسلمانان پذیرفته بودند چون این حکومت اسلامی (ولو از نوع اموی) نسبت به حکومت های سابق که در طول قرون متمادی زیر سلطه امپراتوری روم بر شامیان حکومت کرده بودند، برتری داشت.

هنوز بیست و پنج سال از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نگذشته بود که هزیمت خلافت در برابر ضربات شدیدی که از جانب دشمنان رو در روی اسلام بر آن وارد می آمد آغاز گردید، دشمنان توانستند پنهانی به مراکز قدرت نظام نفوذ و آن را ناکارآمد کنند، با کمال وقاحت و به زور رهبری نظام را تصاحب کرده امت اسلام و نسل پیشگام آن را مجبور به دست کشیدن از رهبری و شخصیت خود نمایند.

همچنین پیشوایی اسلامی را به حکومتی موروثی تبدیل کنند که جز ناچیز شمردن ارزش ها، کشتار بیگناهان، جلوگیری از حدود الهی، خشکاندن احکام و بازی با سرنوشت مردم کاری نداشت، در این شرایط بیت المال مسلمانان به صورت املاک شخصی قریش در آمده و خلافت به تویی بدل شد تا بچه های بنی امیه با آن بازی کنند.

شک همانها هستیم، قسم به  
حقّ جدّ ما پیامبر صلی الله علیه وآله که ما  
همانها هستیم»

پیرمرد شامی گریست، عمامه از  
سر بر زمین کوفت، سر بر آسمان  
برداشت و گفت: خداوند من از  
دشمنان آل محمد بیزارم.

حضرت زینب علیها السلام نیز با آگاهی  
از شرایط شامیان و عدم آشنایی آنها  
با اهل بیت علیهم السلام در مجلس یزید  
در حالی شروع به سخنرانی می  
کنند که در مرحله اول یزید، جنگ  
روحی و روانی را آغاز کرده بود به  
این نحو که سر امام حسین علیه السلام  
را در تشتی در مقابل خودش قرار  
داد و با چوبی که در دست داشت،  
بر لب و دندان امام می زد و چنین  
می گفت:

«لَعِبْتُمْ هَاشِمًا بِالْمَلِكِ فَلَا  
خَبْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيَ نَزَلَ  
لَيْتَ أَشْيَاخِي بَدْرٍ شَهْدُوا  
جَزَعَ الْخَرْجِ مِنْ وَقَعِ الْأَسْلِ  
لَأَهْلُواوَا سْتَهْلُوا فَرَحًا  
وَلَقَالُوا يَا يَزِيدُ لَا تَشَلْ  
فَجَزَيْنَاهُ بِبَدْرٍ مَثَلًا  
وَأَقَمْنَا مِثْلَ بَدْرٍ فَأَعْتَدَلْ  
لَسْتُ مِنْ خِنْدَفٍ إِنْ لَمْ أَنْتَقِمْ  
مِنْ بَنِي أَحْمَدَ مَا كَانَ فَعَلْ

از این رو عجیب نخواهد بود  
که چنین قضیه ای را در کتب تاریخ  
بخوانیم:

در هنگام ورود اسیران کربلا به  
شام پیر مردی شامی به امام  
سجاد علیه السلام نزدیک شد و به او  
گفت: خدای را شکر که شما را  
هلاک کرد و امیر را بر شما پیروز  
گردانید.

امام سجاد علیه السلام در جواب وی  
فرمودند: «ای پیرمرد آیا قرآن  
خوانده ای؟»  
پیرمرد پاسخ داد: آری.

امام علیه السلام فرمود: آیا این آیه از قرآن را  
خوانده ای:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ  
الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)  
خداوند می خواهد پلیدی و گناه را  
فقط از شما اهل بیت دور کند و  
کاملًا شما را پاک سازد؟.

پاسخ داد: آری.

امام علیه السلام فرمودند: «ما همان  
اهل بیته هستیم که خداوند ما را  
به نزول آیه طهارت در حق آنان  
ممتاز کرد»

شیخ گفت: تو را به خدا قسم  
می دهم که آیا شما خود آنان  
هستید؟!

امام علیه السلام فرمودند: «ما بدون

- بنی هاشم، فرمانروایی و قدرت را بازپچه ی رسیدن به هدفهای خود ساختند و گرنه، نه پیامی از سوی خدا آمد و نه وحی ای فرستاده شد.

- ای کاش که بزرگان من که در جنگ بدر کشته شدند، زاری کردن قبیله خزرج را از زدن نیزه می دیدند. - آن گاه بود که از شور و شادمانی، فریاد سرمی دادند که هان ای یزید! بزن که دستت چلاق و بریده مباد. - ما سروران و رهبران آنان را کشتیم، ما انتقام خود را گرفتیم؛ و این کشتار به جای کشته های جنگ بدر بود که اینک سر به سر شد و انتقام گرفته شد.

- من اگر انتقام کارهایی که احمد انجام داد، از فرزندان و خاندان او نگیرم، از ریشه و تبار «حندف» نخواهم بود. در مرحله بعد ولایت را هدف گرفته و منکر همه ارزشها و مفاهیم دینی (منکر وحی و پیامبری) شد که از سوی پیامبر صلی الله علیه وآله تبیین شده بود.

ایراد سخن در محیط های طوفانی و پر جمعیت شرایط خاص خود را می طلبد.

**اولا** لازم است سخن گو تحت هیچ نوع فشار روحی و جسمی قرار نگیرد.

**ثانیا** در برابر او مناظر ناراحت

کننده ای که موجب پریشانی فکر می گردد، دیده نشود.

**ثالثا** مخاطبانش، نسبت به او نگاه منفی نداشته و به دیده حقارت بدو ننگرد.

دقت در امور یاد شده و تطبیق آن با حضرت زینب علیها السلام در هنگام ایراد خطبه، یک بار دیگر برتری نیروی ایمان را به قدرت های ظاهری به نمایش گذاشت و به بشریت آموخت که می توان به رغم شکست ظاهری به برترین پیروزی ها دست یافت.

در تبیین این نکته باید گفت: وضعیتی که حضرت زینب علیها السلام در آن به ایراد خطبه پرداخت، مملو از صحنه های جانکاه و شدت فشارهای روحی بود.

به زودی در  
پیشگاه خداوند بر  
آنها وارد خواهی شد  
و دوست خواهی  
داشت که کاش  
کور و لال بودی و  
نمی گفتی «کاش  
کشتگان من در  
جنگ بدر، اینجا  
بودند و مرا شادباش  
می گفتند و شادی  
می نمودند.» خدایا  
حق ما را بستان و از  
کسانی که بر ما ستم  
کردند انتقام بگیر.

يَسْتَهْزِؤُنَ أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ اخذ  
عَلَيْنَا باطراف الأَرْضِ وَاكْنافِ السَّمَاءِ  
فَأَصْبَحْنَا نُسَاقِي كَمَا يَسَاقِي الأَسَارَى أَنْ  
بِنَا هَوَانًا عَلَى اللَّهِ وَبِكَ عَلَيْهِ كَرَامَةٌ وَ  
أَنَّ ذَلِكَ لِعِظِيمِ خَطْرِكَ عِنْدَهُ فَشَمَخْتَ  
بِأَنْفِكَ وَنَظَرْتَ فِي عِطْفِكَ جَذْلَانَ  
فرحاً حِينَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُسْتَوْسِقَةً لَكَ  
وَ الأُمُورَ مُتَسِقَةً عَلَيْكَ وَقَدْ امهلت  
وَ نَفَسْتَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ لَا  
يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا مُلِيَ لَهُمْ خَيْرٌ  
لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا مُلِيَ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ  
لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»

أَمِنَ العَدْلِ يَا ابْنَ الطُّلُقَاءِ تَخْدِيرِكَ  
نِسَاءَكَ وَ إِمَاءَكَ وَ سَوْفَكَ بِنَاتِ رَسُولِ  
اللهِ صلی الله علیه و آله، قد هتکت  
ستورهنَّ وَ أَصَحَلْتَ صَوْتَهُنَّ مَكْتَبَاتٍ،  
تَخْدِي بِهِنَّ الأَبَاعِرُ وَ يَحْدُو بِهِنَّ  
الأَعَادِي مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ، لَا يِرَاقِبْنَ وَ  
لَا يُؤَوِّينَ، يَتَشَوَّفُهُنَّ القَرِيبُ وَ البَعِيدُ،  
لَيْسَ مَعَهُنَّ وَلِيٌّ مِنْ رِجَالِهِنَّ وَ كَيْفَ  
يُسْتَبْطَأُ فِي بَغْضَتِنَا مَنْ نَظَرَ إِلَيْنَا  
بِالشَّنَقِ وَ الشَّنَانِ وَ الإِحْنِ وَ الأَضْغَانِ؟  
أَتَقُولُ لَيْتَ أَشِيَاخِي بَدَرِ شَهْدُوا غَيْرَ  
مَتَأْتِمٍ وَ لَامَسْتَعْظِمٍ وَ أَنْتَ تَنْكُثُ ثِنْيَا  
أَبِي عَبْدِ اللهِ مِمَّخَصَرَتِكَ وَ لَمْ لَا تَكُونُ  
كَذَلِكَ وَ قَدْ نَكَاتَ القَرْحَةَ وَ اسْتَأْصَلْتَ  
الشَّافَةَ بِأَهْرَاقِكَ دِمَاءَ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ

حضرت با اینکه عزیزانش و از  
همه مهمتر ولی اش را از دست  
داده بود و از طرفی سختیهای راه و  
اسارت، هیچکدام مانع از این نشد  
که سخن نگوید. از این رو در فضای  
آکنده از خشم و کینه با اقتدار دینی  
و نهایت بصیرت به پا خواست و به  
روشنگری و دفاع از ولایت پرداخت  
و مشتى محکم و پولادین بر دهان  
یزید کوبید.

ایشان بعد از توسل به پنج تن  
آل عبا، سخن خود را با حمد خدا  
آغاز می کند و به پاسخگویی ایرادات  
مطرح شده از سوی یزید می پردازد.  
لذا فضای مجلس شام ایجاب می  
کرده که استدلالی و برهانی سخن  
بگویند.

خطبه ی حضرت زینب علیها السلام در  
شام مملو از نکات درس آموز است  
که در شش فراز به آن پرداخته شده  
است.

### متن خطبه ی حضرت زینب علیها السلام در شام

فَقَامَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَتْ الْحَمْدُ لِلَّهِ  
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ  
آلِهِ أَجْمَعِينَ يَا يَزِيدُ صَدَقَ اللَّهُ كَذَلِكَ  
يَقُولُ- ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاؤًا  
السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا

صلى الله عليه وآله وَنَجُومَ الارضِ من  
آلِ عبدِ المطلبِ.

وَ لَتَرِدَنَّ عَلَى اللهِ و شيكاً مورد هم، و  
لَتَوَدَّنَّ أَنْكَ عَمِيَّتَ وَ بَكَمْتِ، و أَنْكَ لَمْ  
تَقُلْ: فاستهلوا و أهلاًوا فرحاً، ألهم خذ  
بحقنا، وانتقم لنا ممن ظلمنا، والله  
ما فریت إلا فى جلدك، و لا حَزَزْتَ  
إلا فى لحمك، و سَتَرْتُ عَلَى رسولِ  
الله «صلى الله عليه و آله» برغمك  
و عترته و لحمته فى خظيرة القدس،  
يوم يجمع الله شملهم مالمومين  
من الشعث، و هو قول الله تبارك  
و تعالى: « وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
يُرزَقُونَ » و سيعلم من بؤاك و مكنتك  
من رقاب المؤمنين إذا كان الحكم  
الله، و الخصم محمد - صلى الله عليه  
و آله» و جوارحك شاهدة عليك،  
فبئس للظالمين بدلاً؛ «أَيُّكُمْ شَرُّ مَكَانًا  
و أضعف جنداً»

مَعَ أَنِّي، و الله، يا عدو الله، و ابنَ  
عدوه، إستصغر قدرك، و أستعظم  
تفريعك غير أن العيون عبرى،  
و الصدور حرى، و ما يجزى ذلك أو  
يغنى عننا، و قد قتل الحسين رحمه  
الله،

و حزب الشيطان يقرُّبنا إلى حزب

السُّفهاءِ ليعطوهم أموالِ اللهِ على  
انتهاكِ محارِمِ اللهِ!

فهذه الأيادى تنطف من دماننا، و  
هذه الأفواه تتحلب من لُحومنا، و  
تلك الجثث الزواكى يعتامها عسلان  
الفلوات، فلن اتخذتنا مغنماً لتتخذن  
مغرمًا، حين لا تجد إلا ماقدمت يداك،  
تستصرخ يا ابنَ مرجانة و يستصرخ  
بك، تتعاوى و اتباعك عند الميزان،  
وقد وجدت أفضل زادِ زودك، معاويه  
،قتلك ذرية محمد صلى الله عليه  
وآله... فوالله ما اتقيت عند الله؛ و لا  
شكواى إلا إلى الله؛ فكذ كيدك واسع  
سعيك ، و ناصب جهدك فوالله لا  
يُرِحُّ عنك عارٌ ما أتيت إلينا أبداً؛  
و الحمد لله الذى ختم بالسعادة و  
المغفرة لِساداتِ شبَّانِ الجنانِ فأوجب  
لهم الجنة أسأل الله أن يرفع لهم  
الدرجات و أن يوجب لهم المزيد من  
فضله فإنه ولى قدير.<sup>۲</sup>

### ترجمه خطبه

حضرت زينب عليها السلام دختر على  
بن ابى طالب عليه السلام، ایستاد. فرمود:  
«حمد و سپاس برای خدایى است  
که پروردگار جهانیان است و درود  
خدا بر پیامبر و اهل بیت اوباد.



کنیزان و زنان تو در پس پرده باشند و دختران پیامبر خدا به اسارت برده شوند؟ و کاری کردی که از روی شدت ناراحتی و انکسار صدایشان را دیگران بشنوند - در حالی که قبل از این کسی صدایشان را نشنیده بود. شترها به سرعت آن‌ها را می‌بردند و دشمنان آن‌ها را از شهری به شهر دیگر می‌بردند، محافظت نمی‌شدند و پناه داده نمی‌شدند و دور و نزدیک آن‌ها را با دقت نگاه می‌کردند.<sup>۳</sup> سرپرستی از مردانشان با آن‌ها نبود و چگونه در کینه‌توزی نسبت به ما کوتاهی کند کسی که از روی کبر و دشمنی و حقد و کینه شدید به ما نگاه می‌کند؟

آیا تو با خودت می‌گویی:

ای کاش بزرگانی از قبیله ی من که در جنگ بدر کشته شدند اینجا شاهد بودند. بدون آنکه خود را گناه کار بدانی و بدون آنکه امر خود را بزرگ شماری. در حالی که با عصایت به دندان‌های (مبارک) ابی عبدالله می‌زنی؟

چرا چنین نباشد در حالی که دل ما را پاره پاره کردی آن را از ریشه برکندی با ریختن خون ذریه

راست گفت خدا و رسولش: ای یزید «سپس پایان کار آنان که بد کردند این است که آیات خدا را تکذیب کرده و بدانه‌ها استهزا کنند»

ای یزید، آیا گمان برده‌ای حال که جای جای زمین و کرانه‌های آسمان را بر مابستی و ما را همانند اسیران به هر سو کشاندی، می‌پنداری ما به نزد خدا خوار شدیم و تو نزد او عزیز و گرامی می‌شوی!! و پنداشتی این نشانه قدر و منزلت تو در نزد خداست که این چنین باد در بینی انداخته‌ای پس تکبر ورزیدی و به دامن خود مغرورانه نظر افکندی و خرم و شادمان شدی از اینکه دیدی دنیا در کمند تو در آمده و امور تو سامان یافته و به تحقیق ما به تو مهلت دادیم و آن سخن خداوند تبارک و تعالی است که فرمود: «گمان مبرند آنان که کافر شدند و ما آنان را مهلت دادیم (این مهلت) برای آنان خیر است، ما همانا مهلت دادیم آنان را که بر گناه خود بیفزایند و برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود».

ای یزید آیا عدالت است که

رسول خداصلی الله علیه وآله وستارگان زمین از آل عبدالمطلب.

به زودی در پیشگاه خداوند بر آنها وارد خواهی شد و دوست خواهی داشت که کاش کور و لال بودی و نمی‌گفتی «کاش کشتگان من در جنگ بدر، اینجا بودند و مرا شادباش می‌گفتند و شادی می‌نمودند.» خدایا حق ما را بستان و از کسانی که بر ما ستم کردند انتقام بگیر.

یزید به خدا جز پوست خود را ندریدی و جز گوشت خویش را نبریدی و به زودی بر رسول خداصلی الله علیه وآله وارد می‌شوی در حالی که عترت و وابستگان او در بهشت قرار دارند.

روزی که خداوند تفرق آن جماعت را جمع کند و پراکندگی و انتشار آنان را فراهم آورد و به جماعت تبدیل سازد و آن قول خداوند تبارک و تعالی است که می‌فرماید: «گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته شدند، مردگانند. بلکه آنان زنده‌اند و نزد خداوند روزی داده می‌شوند.» و به زودی آن که تو را فریب داد و در این مقام مستقر ساخت و تو را بار گردن مسلمانان کرد، خواهد

دانست که جایگاه کدام یک از شما بدتر و لشکر کدام یک ضعیف‌تر و ناتوان‌تر است. در آن روز؛ حاکم خداوند، دادخواه رسول خداصلی الله علیه وآله و اعضا و جوارح، شاهدان تو خواهند بود.

اما ای دشمن خداودشمن زاده خدا، من هم اکنون تو را خوار می‌دارم و سرزنش تو را به چیزی نمی‌شمارم اما چه کنم که دیده‌ها گریان ست و دیده‌ها بریان و دردی که از کشته شدن حسین - که رحمت خدا بر او باد - به دل داریم، بی درمان ست، سپاه شیطان ما را به جمع سفیهان می‌فرستد تا مال خدا را به پاداش هتک حرمت خدا به او دهند؟! این دست جنایت است که به خون ما می‌آیند و این گوشت ماست که زیر دندان می‌چوند و پیکر پاک شهیدان است که گرگان بیلبان از هم می‌ریابند اگر ما را به غنیمت می‌گیری، غرامت خود را می‌گیریم در آن روز، جز کرده زشت، چیزی نداری، تو، پسر مرجانه را به فریاد می‌خوانی و او از تو یاری می‌خواهد، با یارانت در کنار میزان ایستاده و می‌بینی نیکوترین توشه‌ای که معاویه برای

### پی نوشت ها

- ۱- احمد بن علی، طبرسی، الاحتجاج، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۰۸.
- ۲- احمد بن ابی طاهر، ابن طیفور، بلاغات النساء، قم، نشر الشریف الرضی، چاپ: اول، بی تا. صص ۳۵-۳۴
- ۳- عبارت « یتشوفهن القریب و البعید » دو معنا می تواند داشته باشد. اول این که افراد دور و نزدیک به تماشای اسرا می آمدند حتی از شهرهای دیگر در مسیرهای بین راه، و معنای دوم این که از فاصله های دور و نزدیک یعنی از پشت بامها یا داخل کوچه ها به اسرا با دقت نگاه می کردند.

توساخت، کشتن فرزندان پیغمبر- که درود خدا بر او و آلش باد- بود که برگردنت انداخت.

به خدا قسم از غیر خدا نمی ترسم و شکایت به غیر خدا نمی برم هر ترفندی داری به کار گیر و هر کوششی از تو ساخته است انجام ده و هر نیرویی می توانی برانگیز؛ لیکن به خدا سوگند که هرگز این ننگ (کشتن فرزندان پیامبر - که درود خدا بر او و آلش باد- و اسیر کردن خاندان او، و شکست اهداف ضد دینی و ضد قرآنی تو) هیچ گاه از تاریخ زندگی تو پاک نخواهد شد. حمد مخصوص خدایی است که برای جوانان و سادات بهشتی سعادت و مغفرت داد و بهشت را برایشان واجب کرد. از خدا می خواهم که درجات آنها را بالا ببرد و به آنان فضیلت زیاد دهد که او ولی قادر است.

## فراز اول خطبه: بزرگی حق و حقارت کفر

♦ فاطمه ترابی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد- سطح ۲ حوزه

### ترجمه

حضرت زینب علیها السلام دختر علی بن ابی طالب علیه السلام ایستاد فرمود: «حمد و سپاس برای خدایی است که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او باد. راست گفت خدا و رسولش: ای یزید «سپس پایان کار آنان که بد کردند این است که آیات خدا را تکذیب کرده و بدانها استهزا کنند»

ای یزید، آیا گمان برده‌ای حال که جای جای زمین و کرانه‌های آسمان را بر مابستی و ما را همانند اسیران به هر سو کشاندی، می‌پنداری ما به نزد خدا خوار شدیم و تو نزد او عزیز و گرمی می‌شوی!! و پنداشتی این نشانه قدر و منزلت تو در نزد خداست که این چنین باد در بینی انداخته‌ای پس تکبر ورزیدی و به دامن خود مغرورانه نظر افکندی و خرم و شادمان شدی از اینکه دیدی دنیا در کمند تو در آمده و امور تو سامان یافته و به تحقیق ما به تو

فَقَامَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَتْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ يَا يَزِيدُ صَدَقَ اللَّهُ كَذَلِكَ يَقُولُ- ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ أَ ظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ اخَذَ عَلَيْنَا بِأَطْرَافِ الْأَرْضِ وَ أَكْنَافِ السَّمَاءِ فَأَصْبَحْنَا نَسَاقُ كَمَا يَسَاقُ الْأَسَارَى أَنْ بِنَا هَوَانًا عَلَى اللَّهِ وَ بِكَ عَلَيْهِ كِرَامَةٌ وَ أَنَّ ذَلِكَ لِعِظِيمِ خَطْرِكَ عِنْدَهُ فَشَمَخْتَ بِأَنْفِكَ وَ نَظَرْتَ فِي عِطْفِكَ جَدْلَانَ فَرِحَ حِينَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُسْتَوْسِقَةً لَكَ وَ الْأُمُورَ مُتَسِقَةً عَلَيْكَ وَ قَدْ اْمَهَلْتَ وَ نَفَسْتَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا مُلِيَ لَهُمْ خَيْرٌ لَأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا مُلِيَ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»<sup>۲</sup>

مهلت دادیم و آن سخن خداوند تبارک و تعالی است که فرمود: «گمان مبرند آنان که کافر شدند و ما آنان را مهلت دادیم (این مهلت) برای آنان خیر است، ما همانا مهلت دادیم آنان را که بر گناه خود بیفزایند و برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود.»

در این فراز ابتدایی مهمترین مباحث مطرح شده: معرفی اهل بیت علیهم السلام، باطل کردن پندارهای یزید و به طور ضمنی بحث ولایت می باشد.

## شجاعت دینی داشته باشیم

فَقَامَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ  
پس زینب علیها السلام دختر علی بن ابی طالب علیه السلام، ایستاد.

## پیامها

۱- حضرت زینب علیها السلام با اینکه اسیر بودند «ایستادند» و سخنان خود را ایراد کردند این ایستادگی نشان دهنده شجاعت ایشان است که یزید را به چشم حقارت و تردید می دید. در حالی که فضای رعب و وحشتی که از قدرت یزید ایجاد شده بود، کسی جرأت وجسارت چنین ایستادگی را نداشت. این ایستادگی تنها ازدختری بر می

آمد که الگوی او مادرش بود. مادری که در مسجد مدینه در دفاع از حق امام زمانش خطبه خواند.

۲- «ایستادن» حضرت نشان دهنده این است که سکوت در برابر دشمن ظالم و ستمگر جایز نیست.

۳- باید در مقابل دشمن حرکت کرد. از حرکت لسانی و زبانی آغاز شود تا به تغییر در بینش و افکار بینجامد.

۴- هر کس به فراخور موقعیت خود و استعدادها و قابلیت هایش وظیفه دارد در مقابله با دشمن حرکت کند.

در این راستا هر فردی در هر جایگاهی قرار دارد، باید از طریق زبانی به این امر خطیر بپردازد.

۵- قدرتهای مستکبر نباید باعث تزلزل در بیان حق یا ادای وظیفه شود.

۶- نوع حرکت و پاسخ به دشمن مهم است. حضرت زینب ایستادند و در ایستادگی معنای شجاعت و اقتدار نهفته است. (توجه به زبان بدن با توجه به نوع مخاطب)

۷- موضع حضرت از حالت نشسته به ایستاده ممکن است به این علت باشد که دفاع به خاطر خود نیست بلکه دفاع برای خدا و دین است. چرا که دشمن از بعد احساسات وارد شده و سعی در تخریب احساسات داشت.<sup>۳</sup>

حضرت در حالت نشسته پاسخ دشمن را ندادند چون ممکن بود احساسات

شخصی در این امر دخیل شود. لذا حضرت همگان را به این تغییر موضع توجه داده به این جهت که نیت الهی است و برای دفاع از دین و ولایت است نه به خاطر شخص ایشان. مصداق این رفتار در پدرش نیز دیده شده است. در جنگ خندق وقتی عمرو بن عبدود به امام علی علیه السلام جسارت کرد، امام بلند شد و دوری زد و او را کشت. وقتی از حضرت دلیل این کار را پرسیدند ایشان در جواب فرمودند ترسیدم نیتم برای خدا نبوده و به علت خشم باشد.<sup>۳</sup>

### مثبت اندیش باشیم

#### الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

«حمد و سپاس برای خدایی است که پروردگار جهانیان است».

### پیامها

۱- سخن خود را با حمد خدا آغاز کرده است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» عمرتبه در قرآن تکرار شده است.<sup>۵</sup> همین ادب را نیز در انتهای خطبه شاهد هستیم. در قرآن می خوانیم «أَخِرُّ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».<sup>۶</sup>

۲- مبلغ باید مستدل سخن بگوید تا قابل پذیرش باشد و نوع استدلال بستگی به نوع مخاطب دارد. اگر

مخاطب عام است، استدلال، قرآنی و برهانی باشد تا نتیجه برای مخاطب روشنتر باشد. لذا اولین قدم برای مبلغ مخاطب شناسی است.

۳- قرآن باید در همه لحظات زندگی جاری باشد نه اینکه چون گرفتار شدیم به سوی قرآن و اهل بیت علیهم السلام روی آورده و چون فارغ از مشکلات شدیم، از آنها دست کشیده و به خود مشغول شویم.

۴- در هر حالی همه موظف به این امر هستند که قرآن را از مہجوریت خارج کنند.

۵- کسی که مصیبتی می بیند، از همه چیز دست می کشد و به جهت دلبستگی و علائقی که میان خود و متوفی احساس می کرده است، در میان بهت به سر می برد اما حضرت زینب علیها السلام که نماد صلابت و استقامت است، از قرآن جهت حل مشکلات خود و گرفتن آرامش و نیز استدلال در برابر دشمن استفاده می کند.

۶- «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بهترین نوع شکرگزاری است که حضرت آن را در ابتدای سخنان خود بیان می کند.<sup>۷</sup> این مساله برای ما هم می تواند الگو باشد که در همه لحظات باید سپاسگزار بود؛ چه در شادی و غم، چه در میزان کمیت یا کیفیت

مشکلات، می‌تواند راهگشای همگان باشد.

۷- شاکر بودن، اوج مثبت اندیشی حضرت را می‌رساند؛ چرا که انسان شاکر، آرامش دارد و آرامشش در سایه ایمن و پیروی از ولایت است. وجود یزید یا یزیدیان زمان برای حضرت مانع نیست که هستی زیبا نیست. بعد مثبت اندیشی حضرت زینب علیها السلام نسبت به مشکلات باید برای همه درس باشد.

۸- مشکلات نباید انسان را از ادای وظیفه بازدارد. حضرت زینب علیها السلام در نهایت تمام مشکلات، به پا خاست و وظیفه خود را که بیان حق و دفاع از ولایت بود، به بهترین نحو ممکن به انجام رساند.

۹- حضرت با اصول دین به نبرد با دشمن می‌پردازد. فرار الحمد لله... اشاره به توحید دارد. فرار صلی الله... اشاره به نبوت داشته و آیه مطرح شده در ابتدا (روم، آیه ۱۰) به معاد اشاره می‌کند.

این نشان دهنده تسلط حضرت به تمام جوانب مساله است که از راههای مختلف سعی دارد پاسخ‌های کوبنده ایی به اهانت‌های یزید بدهد تا او را در مقابل همگان خوار کند.

۱۰- یزید تصمیم داشت خاندان اهل بیت را در مقابل بزرگان و

سران کشورهای دیگر ضعیف و خوار سازد اما خداوند مکر دشمنان را به خودشان برگرداند. «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»<sup>۸</sup>

۱۱- حمد اشاره ایی است هم به توحید ذات وهم، صفات و افعال؛ خدا باید محور و راس کارها قرار بگیرد.<sup>۹</sup> توحید محوری حضرت زینب علیها السلام در سراسر زندگی مشهود است. این نکته ظریفی است که باید همه به آن توجه داشته باشیم. الله برای خدا بودن و صبغه الله و رنگ خدایی داشتن در کارها باید مد نظر قرار گیرد.

۱۲- یزید وحی و نبوت را زیر سوال برده و آن را از اساس باطل می‌داند. حضرت زینب علیها السلام نیز در مقام پاسخگویی از همان نقطه ای آغاز می‌کنند که دشمن مورد هدف قرار داده است. درسی که حضرت به ما می‌آموزد شناسایی دشمن در هر عصر و زمان است. از هر طریقی که دشمن القای شبهه می‌کند از همان طریق به دفع شبهه می‌پردازد. این مساله نشان دهنده این است که هر فردی در هر مقامی باید مسلح به سلاح بصیرت دینی و سیاسی باشد.

۱۳- ما انسانها معمولاً زمانی خدا را حمد می‌کنیم که نعمتی از جانب خدا به ما رسیده باشد حضرت زینب علیها السلام در

مقام بیان این درس هستند که اگر نعمتی هم از شما سلب شد، باز هم خدا را حمد کنید.

- ۱۴- مشکلات نباید سبب تغییر ارزشها یا دور شدن از ارزشها شود.
- ۱۵- حضرت به جای اینکه بگوید «انا لله و انا اليه الرجعون» فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». حضرت با این اقدام قصد داشته بافته های سست یزید را از بین ببرد و از نعمت لطف الهی و رحمت حضرت حق سخن بگوید.<sup>۱۰</sup>
- ۱۶- رب العالمین ستایش و مدح از ذات لایزال است و کار همه به دست با کفایت اوست.<sup>۱۱</sup>

### ولایت پذیر باشیم

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَآلِهِ  
أَجْمَعِينَ

و درود خدا بر پیامبر و اهل بیت اوباد.

### پیامها

- ۱- رعایت ادب در کلام که مراتب ولایت را از خدا می داند. سپس رسول خدا و اهل بیت او.
- ۲- از آنجایی که حضرت قصد تنبه و آگاه ساختن همگان به خصوص یزید را داشتند؛ در این فراز به طور عام قصد آگاه

ساختن حاضران و به طور ضمنی یزید ملعون را داشتند.

۳- حضرت به جای معرفی خود، به طور غیر مستقیم نسب جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به همگن یلأور می شود معرفی اهل بیت علیهم السلام را معرفی خودش<sup>۱۲</sup> می داند تا به حاضران بفهماند ما خارجی نیستیم که یزید ما را این گونه به شما معرفی کرده است. ما خاندان در بند اسارت، از خاندان پیامبریم. از این رو به شفاف سازی و روشنگری برای حاضران و شخص یزید می پردازد.

۴- حضرت در مقام بیان این سخن هستند که به حاضرین در مجلس بفهماند که دست یزید به خون نوه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آلوده است.<sup>۱۳</sup>

### اقتدار کلامی در برابر

باطل

یا یزید

ای یزید

### پیامها

- ۱- حضرت زینب علیها السلام یزید را با اسم صدا زده و مورد خطاب قرار می دهد نه خلیفه مسلمین. به این نحو حضرت زینب علیها السلام از او نفی خلافت و لیاقت کرده است.<sup>۱۴</sup> (نه خلیفه است و نه لیاقت خلیفه بودن دارد). هم چنین



- بنی هاشم، فرمانروایی و قدرت را بازپچه ی رسیدن به هدفهای خود ساختند و گرنه، نه پیامی از سوی خدا آمد و نه وحی فرستاده شد. یزید، در ابتدای مجلس به انکار نبوت و وحی پرداخت و مبانی دینی را به مسخره گرفت. این سرانجام بدکاران است که بر اثر انبوه گناهان به سقوط و تباهی کشیده شدند.

۲- انسان باید عاقبت اندیش باشد.

۳- بدترین عمل زشت، تکذیب آیات خدا و تمسخر است.

۴- هر چقدر عمل زشت باشد، عذاب سخت تر است.

۵- بهره تکذیب کنندگان و مسخره کنندگان عذاب است.<sup>۱۶</sup>

۶- مراحل سقوط انسان، گناه؛ تکذیب و استهزاء است.<sup>۱۷</sup> که به کفر می انجامد.

۷- اصرار بر گناه بدون توبه، انسان را به سوی تکذیب و استهزاء می کشاند.<sup>۱۸</sup>

۸- عامل انحطاط انسان کفر است.

۹- دنیا دوستی زمینه گناه را ایجاد می کند.

۱۰- دروغ سرچشمه بسیاری از گناهان است.

۱۱- همه تکیه آن عالمه غیر معلمه بر اثبات کفر یزید در حضور بزرگان و سفیران کشورهای خارجی حاضر در مجلس است و چنان که می بینیم تا

با اسم کوچک صدا زدن، قصد تحقیر، سرزنش، توییخ و خوار کردن او در نزد بزرگان را دارد. از طرفی با اسم صدا زدن از جانب حضرت نیز جلب توجه یزید و ترغیب او به صورت مستقیم به شنیدن حرفهای خودشان است.

۲- خطابه‌های «ای یزید» حضرت زینب علیها السلام، مجلس شام را به مجلس محاکمه تبدیل کرد و براساس مبانی قرآنی و استدلال و حیانی سعی داشته او را در بن بست فکری قرار داده تا از او اعتراف بگیرد که در نهایت نیز چنین شد.

### عاقبت اندیش باشیم

صَدَقَ اللَّهُ كَذَلِكَ يَقُولُ - «نُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَاى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ».<sup>۱۹</sup>  
راست گفت خدا که فرمود «سپس پایان کار آنان که بد کردند این است که آیات خدا را تکذیب کرده و بدانها استهزاء کنند».

### پیامها

۱- حضرت زینب علیها السلام با این آیه به یکی از اشعار یزید پاسخ داده است؛ شعر یزید این است:

لَعِبَتْ هَاشِمٌ بِالْمَلِكِ فَلَا  
خَرْجَاءَ وَلَا وَحْيٍ نَزَلَ

آخر خطبه بر این محور تکیه کرد.<sup>۱۹</sup>

## برخی گمان ها ، گناه است.

أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ اخذَ عَلَيْنَا بِاطْرَافِ الْأَرْضِ وَآكِنَافِ السَّمَاءِ فَأَصْبَحْنَا نَسَاقُ كَمَا يَسَاقُ الْأَسَارَى أَنْ بِنَا هَوَانًا عَلَى اللَّهِ وَبِكَ عَلَيْهِ كَرَامَةٌ  
ای یزید، آیا گمان برده‌ای حال که جای جای زمین و کرانه‌های آسمان را بر ما بستی و ما را همانند اسیران به هر سو کشاندی، می‌پنداری ما به نزد خدا خوار شدیم و تو نزد او عزیز و گرامی باشی

## پیامها

۱- حضرت زینب علیها السلام با سولاتی که مفهوم انکار داشت؛ قصد داشت باطلی که در لباس حق جلوه گر شده بود را رسوا کند و گمان آنها را گناه دانست.<sup>۲۰</sup>

۲- این فراز به تشریح شرایط اسارت و سخت‌گیری عمال یزید بر حضرت زینب علیها السلام و سایر اسرامی پردازد و حضرت با بیان این مطالب در نزد حاضران، از شخصیت یزید پرده برداری می‌کند و این شخصیت خبیث را اینگونه به مخاطبان معرفی می‌کند  
۳- حضرت فعل ظنی «ظننت» به کار

برد تا بتواند مردم و به خصوص یزید را به تفکر وادارد اما اگر فعل یقینی به کار می‌برد، ممکن بود سخن او را نپذیرند و سخن او تاثیر نمی‌داشت.

این نکته میتواند برای همه درس باشد؛ که گاهی به کار بردن فعل ظنی بهتر از فعل یقینی است چرا که دو طرف مساله را برای مخاطب یکسان جلوه می‌دهد تا خودش مسیر خودش را پیدا کند. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»<sup>۲۱</sup>

۴- عزت و کرامت از اهل بیت است و خواری و ذلت برای یزید و یزیدیان زمان است.

۵- کرامت مقام بزرگی است که شایسته اهل بیت علیهم السلام است.

۶- کرامت به اسم نیست بلکه کرامت به رفتار است. آیا رفتار کریمانه این است که تو مانند اسیران با ما رفتار کنی؟!

۷- مشکلات زیاد نشانه خوار بودن نزد خدا نیست بلکه نشانه مقرب بودن است.

هر که در این بزم مقربتر است جام بلا بیشترش می‌دهند.<sup>۲۲</sup>

۸- هر کس به تناسب ظرفیت‌های خود مورد امتحان الهی قرار می‌گیرد.

رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُسْتَوْسِقَةً لَكَ وَالْأُمُورَ  
مُتَّسِقَةً عَلَيْكَ

پس تکبر ورزیدی و به دامن خود  
مغرورانه نظر افکندی و خرم و شادمان  
شدی از اینکه دیدی دنیا در کمند تو در  
آمده و امور تو سامان یافته.

### پیامها

- ۱- حضرت زینب علیها السلام هشدار  
می دهد به یزید از اینکه دنیا بر وفق  
مرادش است که بترسد.
- ۲- حضرت به یزید اینگونه خطاب  
می کند: توای یزید فکر کردی دنیا  
بر وفق مراد توست؛ نه اینگونه نیست.  
این نهایت بی بصیرتی توست. نوع  
جهانبینی تو اشتباه است که ظاهر را  
معیار قرار داده ای نه حق را.
- ۳- حق از بین رفتنی نیست (نور  
حق خاموش نمی شود).
- ۴- دنیا دو روز است: روزی با تو و  
روزی بر علیه تو. روزی که با توست  
مغرور نشو؛ روزی که بر علیه توست،  
ناامید نشو.<sup>۳۳</sup>
- ۵- تفکر صحیح عامل سوق دادن  
انسان به سوی عمل صالح است.
- ۶- دنیا محل امتحان است.
- ۷- باورها و نوع جهانبینی، تفکرات  
را می سازند و تفکرات، اعمال انسان را  
رقم می زنند.
- ۸- بصیرت در زندگی نقش بسیار

تکبر عامل سقوط از  
انسانیت

وَ أَنَّ ذَلِكَ لِعِظِيمِ خَطَرِكَ عِنْدَهُ  
فَشَمَحْتَ بِأَنْفِكَ

و پنداشتی این نشانه قدر و منزلت  
تو در نزد خداست که این چنین باد در  
بینی انداخته‌ای.

### پیامها

- ۱- تکبر عامل انحطاط و سقوط  
انسان است.
- ۲- پیروزی های ظاهری نباید باعث  
غفلت از خدا شود.
- ۳- رتبه و جایگاه و مقام نباید منجر  
به تکبر شود و این ریشه در عزت نفس  
دارد.
- ۴- هر چقدر عالم تر باشیم، باید  
متواضعانه تر برخورد کنیم.
- ۵- اهل بیت علیهم السلام چراغ راه هدایت  
بشر در طی کردن پله های ترقی انسان  
به سوی تقرب به خداوند هستند.
- ۶- موفقیت ظاهری دلیل بر مقرب و  
عزیز بودن نزد خداوند نیست.
- ۷- طبق پندارهای اهل باطل عمل  
کردن، گناه است.

پیروزی کافران موقتی  
است

وَ نَظَرْتَ فِي عِطْفِكَ جَدْلَانَ فَرِحَا حِينَ

مهمی را ایفا می کند.

۹- اکثر مشکلات از حب دنیا نشات می گیرد.  
۱۰- یکی از علل انحطاط تکبر است.<sup>۲۴</sup>

۱۱- پیروزی ظاهری نشانه عاقبت به خیری نیست.  
۱۲- انسان نباید از اینکه دنیا بر وفق مرادش است، مغرور گردد.

۱۳- گاهی عامل امتحان الهی، مال و مقام و تعلقات دنیایی است.  
۱۴- مبنای رفتار انسان باید بر اساس تفکر باشد.

### گاهی نعمت سبب غفلت

وَقَدْ اَمَهَلَتْ وَ نَفَسَتْ وَ هُوَ قَوْلُ اللّٰهِ تَعَالٰی «وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَنَّهٗمْ مُّٰمِنِيْنَ لَهُمْ خَيْرٌ لِّاَنْفُسِهِمْ اِنَّهٗمْ مُّٰمِنِيْنَ لَهُمْ لِيَزِدُوْا اِيْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِیْنٌ»<sup>۲۵</sup>

و به تحقیق ما تو را مهلت دادیم و آن سخن خداوند تبارک و تعالی است که فرمود: «گمان مبرند آنان که کافر شدند و ما آنان را مهلت دادیم (این مهلت) برای آنان خیر است، ما همانا مهلت دادیم آنان را که بر گناه خود بیفزایند و برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود.»

### پیامها

۱- لحظات خوشی و ناخوشی می تواند

امتحان الهی باشد

۲- کفر سبب نزول عذاب است؛ هم در دنیا و هم در آخرت.  
۳- وجود کافر برای خودش هم خیر نیست.

۴- عامل گناه اختیار است نه اجبار.  
۵- کفر دارای آثار است؛ در دنیا خوار می شود و این خواری در آخرت همراه اوست.

۶- باید معیار رفتار انسان بر پایه گمان نباشد بلکه بر یقین استوار باشد.  
۷- گاهی بهره گیری از مواهب دنیوی نیز عذاب است.

۸- نتیجه مهلت دادن به کافر، شقاوت و عذاب برای اوست.

۹- این مسارعیشان در کفر در حقیقت چوب خدا است، و تسخیری الهی است، او است که کفار نامبرده را به سویی می راند که در آخر خط، حظ و بهره‌ای در آخرت برایشان نماند، آن گاه در این آیه موضع کلام را متوجه خود کفار نموده و فرمود: زنهار که از وضع حاضر خود خوشحال نباشند، که وضع موجودشان املا و مهلت خدایی است که کارشان را به استدرج و تاخیر می کشاند و باعث بیشتر شدن گناهشان می گردد؛ که دنبال آن عذاب مهینی است، عذابی که جز خواری با آن نیست و همه اینها به مقتضای سنت تکمیل است.<sup>۲۶</sup>

۱۰- زندگی دنیا به سود کافر نیست،

و قهرا مرگ برایش بهتر است.<sup>۲۷</sup>

**۱۱-** «چیزهایی که ما نعمتش می‌شماریم وقتی نعمتند که با غرض الهی موافق باشد، و آن غرضی را که خدا این موجودات را بدان جهت خلق کرده تأمین شوند، و ما می‌دانیم که آنچه خدای تعالی برای بشر خلق کرده بدین جهت خلق کرده که او را مدد کند در اینکه راه سعادت حقیقی خود را سریع‌تر طی کند، و سعادت حقیقی بشر نزدیکی به خدای سبحان است، که آنهم با عبودیت و خضوع در برابر پروردگار حاصل می‌شود، آری خدای تعالی می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۲۸</sup> آنچه که انسان با تصرف در آن راه خدا را طی می‌کند نعمت است و بنا بر این پس هر موجودی که انسان در آن تصرف می‌کند تا به آن وسیله راه خدای تعالی را طی کند، و به قرب خدا و رضای او برسد، آن موجود برای بشر نعمت است و اگر مطلب به عکس شد یعنی تصرف در همان موجود باعث فراموشی خدا و انحراف از راه او، و دوری از او و از رضای او شد، آن موجود برای انسان نعمت است، پس هر چیزی فی نفسه برای انسان نه نعمت است و نه نعمت، تا ببینی انسان با آن چه معامله‌ای می‌کند، اگر در راه عبودیت خدای تعالی مصرفش کند، و از حیث آن تصرفی که گفتیم روح عبودیت در آن بدمد، و در تحت ولایت

خدا که همان تدبیر ربوبی او بر شوون بندگان است قرارش دهد، آن وقت برای او نعمت خواهد بود، و لازمه این حرف این است که نعمت در حقیقت همان ولایت الهی است، و هر چیزی وقتی نعمت می‌شود که مشتمل بر مقداری از آن ولایت باشد، هم چنان که خدای عز و جل فرموده: «اللَّهُ وَبِئَالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»<sup>۲۹</sup>، و نیز فرموده: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ»<sup>۳۰</sup>

**۱۲-** هدف از این مهلت‌ها یا اتمام حجت بر کافران است، یا آزمایش مؤمنان، و یا افزایش گناهان کسانی که تمام راههای بازگشت را به روی خود بسته‌اند. نظیر این احساس حقارت در برابر کشورهای قدرتمند مادی ظالم در مورد بعضی از اقوام مؤمن که از نظر مادی عقب افتاده‌اند پیدا می‌شود که باید با همان منطق قرآنی عنوان شده با آن به شدت مبارزه کرد.

افزون بر این، باید به آنها فهماند که این محرومیت و عقب افتادگی شما در درجه اول معلول ظلم آن ستمگران است، و اگر زنجیرهای ظلم و اسارت را پاره کنید با تلاش و کوشش مستمر می‌توانید عقب‌ماندگی‌ها را جبران نمائید.<sup>۳۱</sup>

**۱۳-** قرآن، واژه‌ی لایحسبن «گمان نکنید» را بارها خطاب به کفار و منافقان و افراد سست ایمان بکار برده است؛ زیرا

این افراد از واقع‌بینی و تحلیل درست و روشن ضمیری لازم محرومند آنها آفرینش را بیهوده، شهادت را نابودی، دنیا را پایدار، عزت را در گرو تکیه به کفار و طول عمر خود را مایه‌ی خیر و برکت می‌پندارند که قرآن بر همه‌ی این پندارها خط بطلان کشیده است.<sup>۳۳</sup>

### پی نوشت‌ها

- ۱- احمد بن علی، طبرسی، الاحتجاج، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۰۸.
- ۲- احمد بن ابی طاهر، ابن طیفور، بلاغات النساء، قم، نشر الشریف الرضی، چاپ: اول، بی تا. صص ۳۴-۳۵
- ۳- یزید سر مبارک امام حسینعلیه السلام را داخل تشتی قرار داده بود و با چوب خیزران به دندانهای ایشان می زد و اهانت می کرد
- ۴- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱۵
- ۵- غافر: ۶۵؛ زمر: ۷۵؛ صافات: ۱۸۲؛ یونس: ۱۰؛ فاتحه: ۲؛ انعام: ۴۵.
- ۶- یونس: ۱۰۰
- ۷- محسن قرابتی، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۷
- ۸- آل عمران، آیه ۵۴
- ۹- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵
- ۱۰- علی کریمی جهرمی، شرح خطبه حضرت زینب در شام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۴، ص ۲۵
- ۱۱- همان، ص ۲۶
- ۱۲- کل نور کم واحد
- ۱۳- علی کریمی جهرمی، ص ۲۸
- ۱۴- محمد کاظم قزوینی، ص ۴۲۵
- ۱۵- سوره روم، آیه ۱۰
- ۱۶- محسن قرابتی، ج ۷، ص ۱۸۴

- ۱۷- همان.
- ۱۸- تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۲۷۵
- ۱۹- www.jamran.ir
- ۲۰- همان
- ۲۱- سوره انسان، آیه ۳
- ۲۲- حافظ
- ۲۳- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۰۷
- ۲۴- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۰
- ۲۵- سوره آل عمران، آیه ۱۷۸
- ۲۶- محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، صص ۱۳۳-۱۳۲
- ۲۷- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۵.
- ۲۸- سوره ذاریات، ۵۶
- ۲۹- سوره بقره، ۲۵۷
- ۳۰- سوره محمد، ۱۱
- ۳۱- محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، صص ۲۹۱-۲۹
- ۳۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۰، صص ۱۹-۲۰
- ۳۳- محسن قرابتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۶۵۸

### منابع و ماخذ

- ۱- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم، نشر الشریف الرضی، چاپ: اول، بی تا
- ۲- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹، ج ۲
- ۳- جهرمی، علی کریمی شرح خطبه حضرت زینب در شام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۴
- ۴- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، به تحقیق و تصحیح محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- ۵- قرابتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- ۶- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴.
- ۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه.

## فراز دوم خطبه: تکبر و کفر عامل هتک حرمت

### خاندان وحی

مرضیه نادری - سطح ۲ حوزه

انکسار صدایشان را دیگران بشنوند - در حالی که قبل از این کسی صدایشان را نشنیده بود.

شترها به سرعت آنها را می بردند و دشمنان آنها را از شهری به شهر دیگر می بردند، محافظت نمی شدند و پناه داده نمی شدند و دور و نزدیک آنها را با دقت نگاه می کردند.<sup>۱</sup>

سرپرستی از مردانشان با آنها نبود و چگونه در کینه توزی نسبت به ما کوتاهی کند کسی که از روی کبر و دشمنی و حقد و کینه شدید به ما نگاه می کند؟

### از دست دادن حجاب در مقابل نامحرمان

«أَمِنَ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الطُّلُقَاءِ  
تَخْدِيرِكَ نِسَاءَكَ وَ إِمَاءَكَ وَ سَوْفَكَ  
بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله؛ ای  
یزید آیا عدالت است که کنیزان و  
زنان تو در پس پرده باشند و دختران

پس از این که حضرت زینب علیها السلام با سخنان کوبنده سعی کردند شادی و غرور یزید را از اوضاع به وجود آمده تا حد زیادی از بین ببرند به سراغ موضوعی رفتند که بعد از نبود مردان بنی هاشم و شهادت آن عزیزان، از همه بیش تر آزارشان می داد.

«أَمِنَ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الطُّلُقَاءِ تَخْدِيرِكَ  
نِسَاءَكَ وَ إِمَاءَكَ وَ سَوْفَكَ بَنَاتِ  
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، قَدْ هَتَكَتَ  
سِتْرَهُنَّ وَ أَصْحَلْتَ صَوْتَهُنَّ مَكْتَبَاتٍ،  
تَخْدِي بِهِنَّ الْأَبَاعِرُ وَ يَحْدُو بِهِنَّ  
الْأَعَادِي مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ، لَا يِرَاقِبْنَ وَ  
لَا يُؤْوِينَ، يَتَشَوَّقُهُنَّ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ،  
لَيْسَ مَعَهُنَّ وَّلِيٌّ مِنْ رِجَالِهِنَّ وَ كَيْفَ  
يُسْتَبْطَأُ فِي بَغْضَتِنَا مَنْ نَظَرَ إِلَيْنَا  
بِالشَّنَقِ وَ الشَّنَانِ وَ الْإِحْنِ وَ الْأَضْغَانِ؟»  
ای یزید آیا عدالت است که کنیزان  
و زنان تو در پس پرده باشند و دختران  
پیامبر خدا به اسارت برده شوند؟ و  
کاری کردی که از روی شدت ناراحتی و

پیامبر خدا به اسارت برده شوند؟»

## پیام‌ها

۱- در این جا عدل به عنوان یکی از اصول دین مطرح شده است که حضرت زینب علیها السلام با اشاره به آن اعتقادات خویش را در مقابل دشمن سرسختی چون یزید بیان می‌کنند.

۲- حضرت زینب علیها السلام یزید را به سخنان گذشته خودش - که ادعای عدالت داشت - توجه می‌دهد. برای مجادله درست در مقابل ظالم باید از سخنان و کارهای خود او علیه او استفاده کرد.

۳- شجاعتی که حضرت زینب علیها السلام در مقابله با دشمن دارند در عبارت «یا بنی‌الطلاق» نمود بیشتری دارد. چرا که با این خطاب یزید بیش‌تر از قبل تحقیر می‌شد.

۴- در احکام فقهی اسلام داریم که نگاه به زنان اجنبی که پوشیده نیستند بدون لذت اشکال ندارد. این نوع زنان برای خودشان حرمتی قائل نیستند. یزید این‌طور در جامعه جا انداخته بود که این اسرا از دین خارج شده‌اند و اجنبی محسوب می‌شوند. لذا دستور داده بود آن‌ها را بدون حجاب کامل در مسیر شام بیاورند. حضرت زینب علیها السلام

با بیان این جمله قصد رد کردن این قضیه را دارند.

## مسیر پر فراز و نشیب اسارت

«قَدْ هَتَكَتْ سَتورَهُنَّ وَ أَصْحَلَتْ صَوْتَهُنَّ مَكْتَبَاتٍ، تَخْذِي بِهِنَّ الْأَبَاعِرُ وَ يَحْدُو بِهِنَّ الْأَعَادِي مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ، لَا يِرَاقِبْنَ وَ لَا يُؤْوِينَ، يَتَشَوَّفُهُنَّ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ؛ وَ كَارِي كَرْدِي كَهْ مِنْ رُؤْيِ شِدَّتِ نَارِاحَتِي وَ انْكَسَارِ صَدَائِشَانِ رَا دِيْغِرَانِ بَشَنُونِدْ - دَر حَالِي كَه قَبْلَ مِنْ اَيْنِ كَسِي صَدَائِشَانِ رَا نَشْنِيدِهْ بُوْد. شَتْرَهَا بَه سَرَعَتِ اَنْهَا رَا مِي بَرْدَنْد وَ دَشْمَنَانِ اَنْهَا رَا اَز شَهْرِي بَه شَهْرِ دِيْغَر مِي بَرْدَنْد، مَحَافِظَتِ نَمِي شَدَنْد وَ پِنَاهِ دَاَدِهْ نَمِي شَدَنْد وَ دُور وَ نَزْدِيْكَ اَنْهَا رَا بَا دَقْتِ نَگَاهِ مِي كَرْدَنْد.»

## پیام‌ها

۱- مسیری که اسرا رفتند امکان داشت که کوتاه‌تر شود؛ اما به دستور یزید آن‌ها را از مسیری طولانی بردند تا هم اذیت و سختی بیشتری به اهل بیت علیهم السلام رسانده باشد و هم پیروزی ظاهری‌اش را مردمان بیشتری دیده باشند.<sup>۲</sup>

۲- اگر زن‌ها در جامعه مسلمان به



پسر برادرش یعنی امام سجاد علیه السلام رفت تا کسب تکلیف کند امام علیه السلام به ایشان فرمودند «علیکن بالفرار».

منظور امام علیه السلام از فرار این بود که با زن‌ها و بچه‌ها از خیمه‌ها به سمت بیابان فرار کنند تا دشمن که برای غارت خیمه‌ها حمله کرده کمتر به آن‌ها تعرض کند. حضرت زینب علیها السلام در همان شرایط بسیار بحرانی هم از دستور ولایت اطاعت کردند.

۳- تبعیت از ولایت در هر حالتی جامعه را از گمراهی نجات می‌دهد.

### سرانجام کینه شیطانی

«و کیف یُسْتَبطَأُ فی بَغْضَتِنَا مَنْ نَظَرَ إِلَینَا بِالشَّنَقِ وَ الشَّنَانِ وَ الْإِحْنِ وَ الْأَضْغَانِ؛ و چگونه در کینه‌توزی نسبت به ما کوتاهی کند کسی که از روی کبر و دشمنی و حقد و کینه شدید به ما نگاه می‌کند؟»<sup>۵</sup>

### پیام‌ها

- ۱- حب و بغض باید برای خدا باشد.
- ۲- کبر و دشمنی و کینه در نهایت به کفر می‌انجامد.
- ۳- در انتقال حقایق ثابت‌قدم باشیم.

حجاب پاییند باشند، در آن جامعه مردان غیور و مبارز تربیت می‌شوند که از شهادت باکی نخواهند داشت.<sup>۳</sup>

### ولایت رمز سعادت جامعه

«لِیسَ مَعَهُنَّ وَ لِيٍّ مِنْ رِجَالِهِنَّ؛ سرپرستی از مردانشان با آن‌ها نبود»

### پیام‌ها

۱- حضرت سجاد علیه السلام همراه کاروان بودند؛ اما به دلیل غلبه تب و بیماری، ایشان توانایی دفاع از زنان و بچه‌ها را نداشتند.

از این رو زینب کبری سلام الله علیها فرمودند: «لِیسَ مَعَهُنَّ وَ لِيٍّ مِنْ رِجَالِهِنَّ». قطعاً اگر مردان بنی‌هاشم زنده بودند با غیرتی که داشتند نمی‌گذاشتند خانواده امام حسین علیه السلام به اسارت بروند.

۲- هر جمعی هرچند کوچک احتیاج به رهبر و سرپرست دارد. درباره حاکمیت جامعه در روایت داریم که حاکم فاسق از نبودنش بهتر است.<sup>۴</sup> بر همگان نیز لازم است تا از حاکم و رهبر جامعه اطاعت کنند. حضرت زینب علیها السلام مانند مادرشان در نهایت ولایت‌پذیری بودند. هنگامی که دشمن اباعبدالله علیه السلام و یارانشان را به شهادت رساند و به خیمه‌ها حمله کرده عقیده بنی‌هاشم نزد

## پی‌نوشت‌ها

۱- عبارت «یتشوفهن القرب و البعید» دو معنا می‌تواند داشته باشد. اول این که افراد دور و نزدیک به تماشای اسرا می‌آمدند حتی از شهرهای دیگر در مسیرهای بین راه، و معنای دوم این که از فاصله‌های دور و نزدیک یعنی از پشت بام‌ها یا داخل کوچه‌ها به اسرا با دقت نگاه می‌کردند.

۲- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه به نشانی <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/۱۰۷۵۲۳/۸۱۶۰/۶۴۴۴>

۳- مسیحیان برای خارج کردن اسپانیا از چنگ مسلمانان، از راه فاسد کردن روحیه و اخلاق جوانان مسلمان وارد عمل شدند تا آن جا که توانستند وسایل لهو و لعب و شهوت‌رانی را به سهولت در اختیار مسلمانان قرار دهند و در این کار تا آن جا پیش رفتند که حتی سرداران و مقامات دولتی را نیز فریفتند و آنان را آلوده ساختند و به این ترتیب توانستند عزم، اراده، نیرو، شجاعت، ایمان و پاکی روح مسلمین را از میان بردارند آن‌ها را به آدم‌هایی زبون، ضعیف، شهوت‌ران، شراب‌خوار و زن‌بارة مبدل کنند و پرواضح است که غلبه و پیروزی بر چنین مردمی کار دشواری نیست. ر.ک مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن.

۴- نهج‌البلاغه، خ ۴۰: «لَابَدٌ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ».

۵- یزید از روی کبر به اهل بیت پیامبر نگاه می‌کرد چون اجدادش کلیددار کعبه بودند و او برای خودش جایگاهی بزرگ قائل بود. خوانند در قرآن می‌فرماید: «آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را مانند [عمل] کسی قرار داده‌اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟! [این دو] نزد خدا برابر

و یکسان نیستند و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند». درست است که اجداد یزید نگهبان خانه خدا بودند و به حاجیان خدمت می‌کردند اما آن‌ها به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌ایمان نیاوردند و همین ارزش تمام کارهایشان را از بین می‌برد.

## منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج‌البلاغه.
- ۳- ابن طووس، علی بن موسی، لهوف، مشهد، جوان‌یاوران، دوم، ۱۳۹۱.
- ۴- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب‌الأعلام‌الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ۶- حسینی زبیدی، محمدمرتضی، تاج‌العروس من جواهرالقاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات‌الفاظ‌قرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- ۸- شرتونی، رشید، مبادی‌العربیة، قم، هاجر، چ هفتم، ۱۳۹۲.
- ۹- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع‌البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۰- قزوینی، محمدکاظم، زندگانی حضرت زینب سلام‌الله‌علیها، تهران، مهریاس، ۱۳۸۷.
- ۱۱- قمی، عباس، نفس‌المهموم، قم، سرور، دوم، ۱۳۸۷.
- ۱۲- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج ۱، تهران، صدرا، چ ۳۸، ۱۳۹۳.
- ۱۳- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه به نشانی <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/۱۰۷۵۲۳/۸۱۶۰/۶۴۴۴>

## فراز سوم خطبه؛

### اهل بیت علیهم السلام ستارگان زمین

زهراسحاقی - طلبه سطح ۳

وَاسْتَأْصَلَتِ الشَّافَةَ بِأَهْرَاقِكِ دِمَاءَ  
ذُرِّيَّتِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
وَنَجْوَمِ الْأَرْضِ مِنْ آلِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ.

آیا تو با خودت می گویی: ای کاش بزرگانی از قبیله ی من که در جنگ بدر کشته شدند اینجا شاهد بودند. بدون آنکه خود را گناه کار بدانی و بدون آنکه امر خود را بزرگ شماری.

در حالی که با عصایت به دندان های (مبارک) ابی عبدالله می زنی؟ چرا چنین نباشد (بکاوید ریش را)؛ در حالی که دل ما را خستی آن را از ریشه بر کندی. با ریختن خون ذریه رسول خدا صلی الله علیه وآله وستارگان زمین از آل عبدالمطلب.

به عبارتی همانطور که در کتاب عقیده بنی هاشم زینب کبری علیها السلام مجموعه مقالات کنگره ملی حضرت زینب کبری علیها السلام آمده است:

حضرت زینب علیها السلام در ماجرای کربلا؛ دو خطبه معروف دارد که یکی از آنها در شام نزد یزید بن معاویه و دیگری در کوفه برای مردم بیان شده است. حضرت زینب علیها السلام که بزرگ شده ی خاندان وحی است در جای جای این خطبه ها به آیات نورانی قرآن مجید؛ سیره معصومین و وقایع تاریخی به همراه ده ها نکته ی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و غیره پرداخته است. اینک به ترجمه ی تحت الفظی این خطبه در منابع مطالعه شده و سپس به برخی از نکات در قسمتی از خطبه ی آن حضرت در شام پرداخته می شود.

#### متن خطبه

أَتَقُولُ لَيْتَ أَشْيَاخِي بِيَدْرِ شَهْدُوا  
غَيْرَ مَتَائِمٍ وَلَا مَسْتَعْظِمٍ وَأَنْتَ تَنْكُثُ  
ثَنَائِيَا ابْنِي عَبْدِ اللَّهِ بِمِخَصَّرَتِكَ وَ لَمْ  
لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَقَدْ نَكَاتَ الْقَرْحَةَ

با چوب دستی به دندان جگر  
گوشه پیغمبر می زنی و جای کشتگانت  
را در بدر خالی می کنی؟  
(ومی گوئی) ای کاش که بودند و مرا  
می ستودند؟!

آنچه را کردی خرد می شماری  
و خود را بی گناه می پنداری. چرا شاد  
نباشی؟ که دل ما را خستی واز رنج  
سوزش درون رستی و آنچه ریختی؛  
خون جوانان عبدالمطلب بود، ستارگان  
زمین و فرزندان رسول رب العالمین.

از نشانه‌های  
جاهل این است  
که از علم و  
عقل خویش  
بهره نمی برد.  
بنابراین  
نمی توان گفت  
که هر کسی  
علم و عقل دارد،  
جاهل نیست؛  
چرا که کسی  
که از عقل و  
علم خویش  
بهره نبرد،  
مصدق حقیقی  
جاهل است.

## نکته

### در انتخاب دوست دقت کنیم

أَنْقُولُ لَيْتَ أَشِيَاخِي بَبَدْرِ شَهْدُوا  
یزید در این فراز آرزو می کند کاش  
بزرگانی از قبیله ی من که در جنگ  
بدر کشته شدند اینجا شاهد بودند و در  
واقع با بیان این حرف سعی می کند  
آنها را در عمل خود (پیروزی ظاهری)  
شریک کند. این حرف ناشی از علقه و  
دوستی ست که او به گذشتگان خود  
دارد.

در قرآن کریم دوازده مرتبه کلمه  
یالیتنی و یالتنا آمده است. آیاتی که  
کلمه یالیتنی در آنها بکار رفته است  
به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم  
می شوند. اکثر آیات درباره آخرت و ای  
کاش‌های آخرتی می باشد.

نکته مهم این که یالیتنی هنگامی  
بکار می رود که کار از کار گذشته و  
برگشتی وجود ندارد. یکی از این آیات  
که در مورد ای کاش ها مطرح شده  
ست آیه ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه فرقان  
است.

وَيَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ  
يَالَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا \*  
یاویلتنی لیتنی کم اتخذ فلاناً خلیلاً؛  
(و به یاد آر) روزی که ستمگر پشت

می‌دهد سر به زیرتر و افتاده‌تر است. جاهل، فردی به دور از فروتنی و اهل تکبر و خودبزرگ بینی است و همین رفتارش خود گواه و شاهی روشن بر جهالت اوست.

امام کاظم علیه السلام درباره این نشانه جاهل می‌فرماید: **إِنَّ الزَّرْعَ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصِّفَا فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ، لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ التَّوَاضِعَ آلَةَ الْعَقْلِ وَجَعَلَ التَّكَبُّرَ مِنْ آلَةِ الْجَهْلِ؛** زراعت در زمین هموار می‌روید، نه بر سنگ سخت و چنین است که حکمت، در دل‌های متواضع جای می‌گیرد نه در دل‌های متکبر. خداوند متعال، تواضع را وسیله عقل و تکبر را وسیله جهل قرار داده است.<sup>۲</sup> از دیگر نشانه‌های جاهل این است که از علم و عقل خویش بهره نمی‌برد. بنابراین نمی‌توان گفت که هر کسی علم و عقل دارد، جاهل نیست؛ چرا که کسی که از عقل و علم خویش بهره نبرد، مصداق حقیقی جاهل است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: **رُبُّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ، وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ؛** چه بسیارند دانشمندی که جهلشان آنها را کشته در حالی که علمشان با آنهاست، اما به حالشان

دست‌های خود را به دندان می‌گزد، می‌گوید: ای کاش همراه پیامبر صلی الله علیه و آله راهی را به سوی خدا پیش می‌گرفتم \* ای وای کاش من فلانی را (که سبب بدبختی من شد) به دوستی نمی‌گرفتم.

دوستی با افراد ناباب دارای تأثیر سوء بر عقیده و رفتار و سرنوشت انسان است. «یاویلتی ...» دوستی با رفیقان هرزه موجب تأسف و پشیمانی زیاد در روز قیامت می‌گردد.

حضرت علی علیه السلام در رابطه با این موضوع در روایتی می‌فرماید: «چه بسا اندکی که از فراوانی بهتر، نه در یاری دادن انسان پست چیزی وجود دارد و نه در دوستی با دوست متهم»<sup>۱</sup>

## جهل انسان را دچار تکبر می‌کند

**غیر متأنم ولامستعظم:** بدون آنکه خود را گناه کار بدانی و بدون آنکه امر خود را بزرگ شماری.

در این فراز خطبه حضرت زینب علیها السلام یزید را به جهلش که متکبرانه خود را پیروز میدان نبرد می‌داند اشاره می‌کند.

عاقل و عالم مانند درخت پرباری است که هرچه بیشتر محصول و میوه

سودی نمی‌دهد.<sup>۲</sup>

جهالت و نادانی اثرات مخربی در روند زندگی افراد می‌گذارد و حتی ممکن است فردی به خاطر ناآگاهی و به تصور اینکه کارش درست است مرتکب عملی شود، اما به واقع در مسیر نادرستی گام بردارد.

از نظر قرآن زیانکارترین مردم آنها هستند که کار خلافی انجام می‌دهند و می‌پندارند که کارشان درست است. اسلام تقلید کورکورانه را طرد می‌کند و از انسانی که دارای شعور، عقل و درایت است انتظار دارد که عملی را از روی جهالت و نادانی انجام ندهد، بلکه ابتدا آگاهی پیدا کند، سپس مرتکب عملی شود.

درباره اثرات اجتماعی جهل و نادانی هم می‌توان زیاد سخن گفت که برخی از آنها از بدترین آسیب‌های اجتماعی را در پی خواهد داشت. منشاء بسیاری از مشکلات اخلاقی مانند روابط نامشروع، اعتیاد، سرقت، قتل و جنایت، جهل و نادانی است، چرا که برخی بدلیل جهل و نادانی فکر می‌کنند در کنار گناه و عصیان و تجاوز به حقوق دیگران می‌توانند به خوشبختی برسند در حالی که این طور نیست.

زراعت در  
زمین هموار  
می‌روید،  
نه بر سنگ  
سخت و  
چنین است  
که حکمت،  
در دل‌های  
متواضع جای  
می‌گیرد نه  
در دل‌های  
متکبر. خداوند  
متعال، تواضع  
را وسیله عقل  
و تکبر را  
وسیله جهل  
قرار داده  
است.

### تقوا عامل برتری

وقتی یزید با چوب دستی خود به دندان‌های مبارک امام حسین علیه‌السلام می‌زند؛ زینب کبری علیها‌السلام قهرمانانه بر می‌خیزد و خطاب به او می‌فرماید: «...با چوب دستی بر دندان‌های مبارک سرور جوانان بهشتی می‌کوبی»

این بخش از خطبه‌ی حضرت زینب اشاره به این حدیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله

«أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ»  
 آیا کسانی که در دل هایشان مرضی هست، پنداشتند که خدا هرگز کینه آنان را آشکار نخواهد کرد؟<sup>۴</sup>  
 بیماردلان غالباً کسانی هستند که ایمانشان ضعیف است و به تدریج به نفاق گرایش می یابند. که تاریخ نشان می دهد گروهی از کسانی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آوردند از این دست بوده اند.

حضرت زینب علیها السلام در ادامه ی سخنانشان با مقابل هم قرار دادن جنگ بدر که نیم روز طول کشید به نیت ناپایدار یزید که نشات گرفته از تکبر یزید و سروری شیطان بر اوست اشاره می کند.

تلمیح به واقعه ی جنگ بدر اشاره به حقانیت حضرت زینب علیها السلام دارد چون یزید صرف داشتن کینه ایی که از این جنگ در دلش کاشته؛ خود را پیروز میدان می داند در حالی که حضرت زینب با یادآوری این جنگ از شهیدانی یاد می کند که خداوند در کتابش آنها را زنده خوانده و نزد او روزی می خورند.

درد که می فرماید: «الحسن والحسين سيدا شباب اهل الجنة»<sup>۴</sup> گویا اینکه حضرت با بیان جمله ی بالا قصد دارند ویژگی های امام حسین علیه السلام و حزب الله بودن ایشان را در مقابل عمل شنیع یزید و کفر و حزب الشیطان بودن او را یادآور شوند زیرا حضرت زینب علیها السلام نمونه ی یک انسان کامل هستند که همواره اندیشه ایشان برتری نداشتن یکی بر دیگری ست مگر اینکه این برتری در تقوا و پرهیزکاری باشد. بنابراین در برابر تحریک عاطفی حزب الشیطان (یزید) برای تحقیر این خاندان پاک؛ برتری اهل تقوی که خود نیز یکی از افراد ان است را به گوش حقیقت جویان می رساند.  
 کینه توزی، عامل اشتباهات جبران ناپذیر است

وَأَنْتَ تَنْكُثُ ثَنِيَا ابِي عَبْدِ اللَّهِ  
 مِخَصَّرِ تَكَّ : در حالی که با عصایت به دندان های (مبارک) ابی عبدالله می زنی؟

کینه عبارت است از داشتن عداوت و دشمنی دیگری در دل و منتظر فرصت مناسب برای اینکه آن را ابراز کند.  
 در قرآن بیمار دلی یکی از عوامل زمینه ساز بغض نسبت به دین و دینداری معرفی شده است:

## اهل بیت علیهم السلام وسیله ی هدایتند

بَاهِرَاقِكِ دَمَاءِ ذُرِّيَّتِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَجُومِ الْأَرْضِ مِنْ آلِ  
عَبْدِ الْمُطَّلَبِ.

باریختن خون ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله  
و ستارگان زمین از آل عبدالمطلب.

استعاره از نجوم الارض درباره ی  
فرزندان آل عبدالمطلب می تواند اشاره  
به هدایت گری این خاندان پاک در  
میان تاریکی برای اهل زمین باشد.  
چرا که مردم سرگردان در بیابان می  
توانند راه خود را با ستارگان آسمان  
شب پیدا کنند.

در قرآن مجید درباره ی اثر مهم  
ستارگان آسمان آمده است: «وَالنَّجْمِ  
هُمَّ يَهْتَدُونَ»؛ آنها به وسیله ستارگان  
راه [خود را] می یابند.<sup>۶</sup>

و در جای دیگر می فرماید: «وَهُوَ  
الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا  
فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ»؛ او کسی است  
که ستارگان را برای شما قرار داد، تا  
در تاریکی و ظلمت های صحرا و دریا،  
هدایت شوید.<sup>۷</sup>

## اهل بیت علیهم السلام امان خداوند برای مردم هستند

برخی از ستارگان در قرآن «رجوم»

شیاطین نام برده شدند، یعنی به منزله  
تیرهایی هستند که به سوی شیاطین  
پرتاب می گردند و آنها را از نفوذ به  
آسمان ها باز می دارند، قرآن می فرماید:  
«إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ  
\* وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ \* لَا  
يَسْتَمْعُونَ إِلَى الْمَلَائِ الْأَعْلَى وَ يُفْقَدُونَ  
مِنْ كُلِّ جَانِبٍ \* دُحُورًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ  
وَاصِبٌ»؛ (ما آسمان نزدیک [پایین] را  
با زیور ستارگان آراستیم، تا آن را از هر  
شیطان متمرّدی حفظ کنیم.

آنها نمی توانند به سخنان فرشتگان  
عالم بالا گوش فرا دهند، [و هر گاه  
چنین کنند] از هر سو هدف قرار  
می گیرند آنها بشدّت به عقب رانده  
می شوند و برای آنان مجازاتی داریم  
است).<sup>۹</sup>

### حق نابود نمی شود

امام علی علیه السلام می فرماید: «أَلَا إِنَّ  
مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَثَلِ  
نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا هَوَى نَجْمٌ طَلَعَ  
نَجْمٌ»؛ (آگاه باشید آل محمد صلی الله علیه و آله  
همچون ستارگان آسمانند هنگامی که  
یکی از آنها غروب کند، ستاره دیگری  
طلوع می کند).<sup>۱۰</sup>



## پی نوشت ها

- ۱- شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق، نهج البلاغه، مصحح: فیض الإسلام، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، نامه ۳۱، نامه امام به فرزندش امام حسن علیه السلام
- ۲- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی محقق، تحف العقول محقق-مصحح: غفاری، علی اکبر، ، جامعه مدرسین، قم،... النص، ص: ۳۹۶، چاپ ۱۳۶۳ قمری
- ۳- شریف الرضی، محمد بن حسین مصحح: صبحی صالح، نهج البلاغه، انتشارات: هجرت: قم: ۱۴۱۴ ق
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام / ترجمه آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، جلد ۱
- ۵- کنگره ملی حضرت زینب(علیها السلام)، عقيله بنی هاشم زینب کبری(علیها السلام)، انتشارات وحدت بخش - تهذیب، قم، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش
- ۶- هر گاه با شنیدن عبارتی به یاد داستان، افسانه، رویداد تاریخی و مذهبی یا آیه و حدیثی و یا ... بیفتیم بدون آنکه آن موضوع مستقیماً تعریف شده باشد. آن بیت یا عبارت دارای آرایه تلمیح است.
- ۷- سوره محمد، آیه ۲۹
- ۸- سوره انعام، آیه ۹۷.
- ۹- سوره صافات، آیات ۶ تا ۹
- ۱۰- نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: فیض الإسلام، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۴۶، خطبه ۱۰۰ (و من خطبه له علیه السلام فی رسول الله و أهل بیته علیهم السلام)، ص ۱۴۵.

## منابع وماخذ

- قرآن مجید
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام / ترجمه آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، جلد ۱
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی محقق، تحف العقول محقق-مصحح: غفاری، علی اکبر، ، جامعه مدرسین، قم، چاپ ۱۳۶۳ قمری
۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، انتشارات: هجرت، قم: ۱۴۱۴ ق
۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق، نهج البلاغه، مصحح: فیض الإسلام، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق
۵. کنگره ملی حضرت زینب(علیها السلام)، عقيله بنی هاشم زینب کبری(علیها السلام)، انتشارات وحدت بخش - تهذیب، قم، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش

## فراز چهارم خطبه؛ سرانجام فاسق در دادگاه عدل الهی

سیده سمیه حسینی - طلبه سطح ۲

- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَوَارِحِكَ  
شَاهِدَةً عَلَيْكَ، فَبَيْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا؛  
«أَيُّكُمْ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جَنْدًا»  
به زودی در پیشگاه خداوند بر آنها  
وارد خواهی شد و دوست خواهی داشت  
که کاش کور و لال بودی و نمی گفتی  
«کاش کشتگان من در جنگ بدر، اینجا  
بودند و مرا شادباش می گفتند و شادی  
می نمودند.» خدایا حق ما را بستان و از  
کسانی که بر ما ستم کردند انتقام بگیر.  
یزید به خدا جز پوست خود را ندریدی  
و جز گوشت خویش را نبریدی و به زودی  
بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وارد می شوی در  
حالی که عترت و وابستگان او در بهشت  
قرار دارند.

روزی که خداوند تفرق آن جماعت را  
جمع کند و پراکندگی و انتشار آنان را  
فراهم آورد و به جماعت تبدیل سازد  
و آن قول خداوند تبارک و تعالی است  
که می فرماید: «گمان نکنید آنان که  
در راه خدا کشته شدند، مردگانند بلکه  
آنان زنده اند و نزد خداوند روزی داده

در فرازهای قبل، حضرت زینب علیها السلام،  
موضوع شادمانی یزید از پیروزی کاذبی  
که به دست آورده بود را مطرح و او را  
سرزنش می کند. در ادامه خطبه، دوباره  
حضرت به این موضوع اشاره می کنند  
و با استدلال به تهدید و توییح او  
می پردازند.

وَ لَتَرِدَنَّ عَلَيَّ اللَّهُ وَ شَيْكًا مَوْرَدِهِمْ، وَ  
لَتَوَدََّنَّ أَنَّكَ عَمِيَّتٌ وَ بَكْمَتٌ، وَ أَنَّكَ لَمْ  
تَقُلْ: فَاسْتَهْلُوا وَ أَهْلُوا فِرْحًا، أَللَّهُمَّ خُذْ  
بِحَقِّنَا، وَانْتَقِمْ لَنَا مِمَّنْ ظَلَمْنَا، وَاللَّهُ مَا  
فَرَيْتَ إِلَّا فِي جِلْدِكَ، وَ لَا حَزْرَتَ إِلَّا فِي  
لِحْمِكَ، وَ سَتَرِدْ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرَغْمِكَ وَ عِتْرَتِهِ وَ  
لِحْمَتِهِ فِي خَطِيرَةِ الْقُدْسِ يَوْمَ يَجْمَعُ  
اللَّهُ شَمْلَهُمْ مَلْمُومِينَ مِنَ الشَّعْثِ،  
وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَ لَا  
تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا  
بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» وَ سَيَعْلَمُ  
مَنْ بَوَّأَكَ وَ مَكَّنَكَ مِنْ رِقَابِ الْمُؤْمِنِينَ  
إِذَا كَانَ الْحُكْمُ لِلَّهِ، وَ الْخَصْمُ مُحَمَّدٌ

صحنه‌ای از قیامت را ترسیم می‌کند که گمراهان از اینکه راه کافران گذشته را در پیش گرفته‌اند، ابراز پشیمانی می‌کنند و هر دو گروه از هم بیزار می‌جویند، هر چند در دنیا همواره در پی جلب حمایت و توجه یکدیگر بودند.

حضرت زینب علیها السلام نیز در پی یادآوری این نکته است که اگرچه یزید نیز امروز می‌پندارد که اگر آن کافران دیروز بودند، به تشویق و حمایت او برمی‌خاستند؛ اما در روز آشکار شدن حقایق، نه تنها خود از آنها گریزان خواهد بود، بلکه آنها نیز از عمل او بیزار می‌شوند.<sup>۲</sup>

### پیام‌ها

۱. تبعیت جاهلان از کردارهای زشت گذشتگان مایه حسرت و پشیمانی ابدی می‌شود.
۲. وجود کینه در قلب باعث نابودی و عدم آرامش فرد می‌شود.

### آرزوهای ناممکن

«وَلْتَوَدَّ أَنَّكَ عَمِيَّتٌ وَ بَكْمَتٌ، وَ أَنَّكَ لَمْ تَقُلْ: فَاسْتَهْلُوا وَ أَهْلُوا فِرْحًا»  
و دوست خواهی داشت که کاش کور و لال بودی و نمی‌گفتی: کاش بزرگان ما که در بدر کشته شدند، بودند و شادی می‌کردند.

حضرت زینب علیها السلام در این فراز، صحنه قیامت را برای یزید تصویر

می‌شوند» و به زودی آن که تو را فریب داد و در این مقام مستقر ساخت و تو را بار گردن مسلمانان کرد، خواهد دانست که جایگاه کدام یک از شما بدتر و لشکر کدام یک ضعیف‌تر و ناتوان‌تر است. در آن روز؛ حاکم خداوند دادخواه رسول خدا صلوات الله علیه و آله و اعضا و جوارح، شاهدان تو خواهند بود.

### عاقبت دنباله روی جاهلان

«وَلْتَرَدَّنَّ عَلَى اللَّهِ وَ شَيْكًا مَّوْرِدَهُمْ»  
به زودی در پیشگاه خداوند بر آنها وارد خواهی شد.

یکی از انگیزه‌هایی که باعث شد، حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید به ایراد خطبه پردازند، اشعار کفرآمیز یزید بود که در آنها آرزوی می‌کرد کاش سران بت پرست قریش بودند و می‌دیدند که او چگونه انتقام کشتگان بدر را گرفته است.

حضرت در این فراز ضمن اشاره به بیتی از آن اشعار کفرآمیز در پاسخ به یزید می‌فرمایند: اگر چه تو امروز آنان را می‌خوانی که شاهد جنایات تو باشند اما به زودی تو در پیشگاه خداوند بر آنها وارد می‌شوی و آن گاه خواهی دید که آیا آنان به تو دست مریزاد خواهند گفت یا خیر؟!<sup>۱</sup>

چنین صحنه‌ای در قرآن نیز تصویر شده است.<sup>۱</sup> در این آیات خداوند

سازی نموده و می‌فرمایند: در آن روز آروز می‌کنی ای کاش کور و لال بودی و این اشعار کفرآمیز را نمی‌گفتی.

چنین روایتی از پریشانی و پشیمانی گناهکاران از قرآن سرچشمه می‌گیرد، آنجا که می‌گویند: کاش با خاک یکسان شوند.<sup>۳</sup> یا کاش مسلمان بودند<sup>۴</sup> یا فرسنگ‌ها از عملشان دور بودند.<sup>۵</sup> خداوند در این آیات با بیان مثال‌هایی برای تقریب به ذهن، به امیدهای بی‌حاصل و آرزوهای ناممکن در روز قیامت اشاره می‌کند.

## پیام

۱. در دنیا به گونه‌ای زندگی کنیم که در آخرت آرزوی برگشت و جبران آن را نداشته باشیم زیرا آنجا جای هیچ عمل و آرزویی نیست.

## دعا

«اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا، وَانْتَقِمْ لَنَا مِمَّنْ ظَلَمْنَا.» خدایا حق ما را بستان و از کسانی که بر ما ستم کردند، انتقام بگیر.

حضرت زینب علیها السلام با تأسی از آیات قرآن «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ...» خداوند افشای بدی‌های دیگران را دوست ندارد جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است.<sup>۶</sup>

در این بحرانی‌ترین لحظات، پس از محاجه‌ای که با یزید کرده و بینی او را به خاک مذلت مالیده است، اکنون روی از این موجودات پست خاکی برتافته، آینه دل را مقارن نور حقیقت الهی قرار می‌دهد و دست به دعا برمی‌دارد، دعایی که از عمق وجود او برخاسته.<sup>۷</sup> عقیده‌ی بنی‌هاشم علیها السلام در اولین فرار از دعای خویش از خداوند می‌خواهد که حق او و خاندانش را از ظالمان بگیرد، شاید بتوان گفت: منظور حضرت از «خُذْ بِحَقِّنَا» کسانی هستند که به صورت خاص بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حکومت را از اهل بیت علیهم السلام گرفتند و باعث اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان و انحراف در دین شدند و در واقع حد مسلم این حق بنا بر آیه موذت، دوستی با این خاندان بود که می‌دانیم چگونه ادا شد.

حضرت در دومین فرار از دعایشان به انتقام الهی اشاره می‌کنند «وَانْتَقِمْ لَنَا مِمَّنْ ظَلَمْنَا» اصطلاح انتقام بارها در قرآن به معنای عذاب و مجازات مجرمان به کار برده شده است.<sup>۸</sup>

حضرت از خداوند می‌خواهند که قاتلان خاندان رسول خدا صلوٰت‌الله‌علیه را در دنیا و آخرت به سزای اعمالشان برساند.

## پیام‌ها

۱. دعا کردن یکی از سلاح‌های مظلوم برای رسیدن به حق و آرامش است.
۲. انتقام الهی، وعده‌ای تخلف ناپذیر است.
۳. حق طلبی در همه حال لازم است.

## ظلم به خود

«وَاللّٰهُ مَا فَرَيْتَ إِلَّا فِی جِلْدِكَ، وَ لَا حَزْرَتٍ إِلَّا فِی لَحْمِكَ» یزید! به خدا جز پوست خود را ندریدی و جز گوشت خویش را نبریدی.

در این فرزاد عقیده بنی‌هاشم علیها السلام تجسم اعمال یزید را مطرح می‌کنند و در ضمن قسمی که به خداوند می‌خورند تأکید می‌کنند این کارهای زشتی که یزید انجام دادی به زیان خودت است و تنها به خودت ضربه زده‌ای و نتیجه آنها را خواهی دید.

همچنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بَعِيرَ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» ای مردم! ستم‌های شما بر خودتان و به زیان خودتان می‌باشد، از زندگی این دنیا بهره‌ای می‌برید پس بازگشت شما به سوی ماست و ما شما را به آنچه انجام می‌دادید آگاهی

خواهیم داد.»

## پیام

۱. توجه به واقعیت گناه که همان ستم کردن به خود است، می‌تواند بازدارنده‌ی انسان از ارتکاب به گناه باشد.

## امید به رستاخیز

«سَتَرِدُّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرَغْمِكَ وَ عَتْرَتِهِ وَ لَحْمَتِهِ فِي خَطِيرَةِ الْقَدْسِ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَهُمْ مَلْمُومِينَ مِنَ الشَّعْثِ.» و به زودی بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد می‌شوی در حالی که عترت و وابستگان او در بهشت قرار دارند.

روزی که خداوند تفرق آن جماعت را جمع کند و پراکندگی و انتشار آنان را فراهم آورد و به جماعت تبدیل سازد.

این عبارات اشاره به روز قیامت دارد که به زودی «سَتَرِدُّ» به محضر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد می‌شوی و در آن روز انتقام ظلم و ستم به اهل بیت علیهم‌السلام و حق غصب شده آنها گرفته می‌شود و در واقع حضرت در این فرزاد از یک طرف تمام کسانی که ظلم و ستم می‌کنند و به حقوق دیگران تجاوز می‌نمایند را انداز و از سوی دیگر به همه مظلومان عالم بشارت و امید می‌دهند که روزی می‌آید که خداوند به حساب آنها رسیدگی خواهد کرد و حقوق غصب

شده‌ی آنها را پس خواهد گرفت.

## پیام

۱. اعتقاد به روز قیامت و رستاخیز مایه امید و حرکت بشریت است.

## فرهنگ شهادت

«و هو قول الله تبارک و تعالی؛ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

و آن قول خداوند تبارک و تعالی است که می‌فرماید: «گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته شدند، مردگانند بلکه آنان زنده‌اند و نزد خداوند روزی داده می‌شوند.»

حضرت زینب‌علیها السلام با استناد به این آیه در کلام خود از یک طرف راه امام حسین علیه السلام و یارانش را مشخص می‌کند «فی سبیل الله» و آن را از راه یزید و پیروانش جدا می‌کند و با صراحت به تبلیغات سوء یزید مبنی بر قیام حسین علیه السلام و یارانش برای رسیدن به حکومت و سلطنت پاسخ می‌دهد، آنجا که در اشعار کفرآمیزش می‌گوید: «لَعِبَتْ هَاشِمٌ بِالْمَلِكِ فَلَا خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ مِنْزَلٌ؛ بنی‌هاشم با ملک و سلطنت بازی کردند و مقصد آنها سلطنت بود پس نه خبر غیبی در کار است و نه وحی ای نازل شده است.»

از طرف دیگر حضرت با تلاوت این آیه به یزید می‌فهماند که شادی او از کشتن حسین و یارانش کاملاً جاهلانه است زیرا او فکر می‌کرد آنها مرده‌اند و او پیروز این میدان شده است در حالی که خداوند فرموده: «گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.»<sup>۱۱</sup> شأن نزول این آیه و آیات بعد از آن در مورد جنگ بدر و احد می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

حضرت زینب‌علیها السلام با اشاره به این آیه مقام و جایگاه شهدای کربلا را در کنار شهدای بدر و احد قرار می‌دهد و شادی بی‌پایان و فضل جاودان خداوند متعال را نصیب آنان می‌داند.

## پیام‌ها

۱. کشته شدن آن گاه ارزشمند است که در راه خدا باشد.<sup>۱۲</sup> «قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

۲. تصور هلاکت و یا خسارت برای شهید، تفکری انحرافی است که باید اصلاح شود. «و لَا تَحْسَبَنَّ» (همان)

۳. شهادت پایان زندگی نیست، آغاز حیات است. بسیاری از زندگان، مرده‌اند ولی کشتگان راه خدا زنده‌اند. «بَلْ أَحْيَاءٌ»<sup>۱۳</sup>

## جنایتی بزرگ

«وَسَيَعْلَمُ مَنْ بَوَّأَكَ وَ مَكَّنَكَ  
مِنْ رِقَابِ الْمُؤْمِنِينَ، فَبَيْسَ  
لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا» و به زودی آن که تو  
را فریب داد و در این مقام مستقر ساخت  
و تو را بار گردن مسلمانان کرد، خواهد  
دانست که برای ظالمان عوض بدی در  
انتظار است.

عقیله بنی هاشم علیها السلام در ضمن بیان  
مجازی (مجاز به لفظی گفته می شود  
که در غیر معنای اصلی خود استعمال  
گردد به سبب وجود مناسبت و ارتباطی  
که میان معنای حقیقی و مجازی وجود  
دارد.

تو به زودی در  
دادگاه عدل  
الهی مورد  
محاکمه قرار  
می گیری، امانه  
در یک دادگاه  
معمولی بلکه  
در دادگاهی  
که حاکم آن  
خداوند و  
طرف دعوی  
آن پیامبر صلی  
الله علیه و آله و  
شاهدان آن،  
اعضا و جوارح  
تو هستند

## «مَكَّنَكَ مِنْ رِقَابِ الْمُؤْمِنِينَ» از

باب مجاز مرسل به علاقه جزئیت  
(ذکر جزء و اراده کل) می باشد. حضرت  
لفظ «رقاب» را به کار برده اند و از آن  
اراده انسان نمودند؛<sup>۱۴</sup> زیبا با استناد به  
آیه قرآن پرده از جنایت معاویه برداشته،  
می فرمایند: به زودی کسی که تو را به  
مقام ریاست بر مسلمانان رساند، خواهد  
دانست چه بد جایگزینی را انتخاب کرده  
است. «فَبَيْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا»<sup>۱۵</sup>

موضوع سخن در این آیه، شیطان  
و یارانش است. خداوند در این آیه  
می فرماید: کسانی که به جای خداوند،  
ابلیس را که در برابر فرمان الهی تکبر  
نموده به عنوان پیشوای خود برگزیدند،  
بدانند که بد جایگزینی انتخاب کرده اند.  
حضرت با جمله «فَبَيْسَ لِلظَّالِمِينَ  
بَدَلًا» اشاره می کند که معاویه در نصب  
یزید به خلافت، از شیطان پیروی کرده  
و آن را به جای اطاعت خداوند انتخاب  
کرده زیرا معاویه طبق عهدهی که با  
امام حسن علیه السلام بسته بود، متعهد بود  
که جانشین بعد از خود تعیین نکند اما  
او این پیمان را زیر پا گذاشت و یزید را  
به عنوان خلیفه معرفی کرد و واسطه به  
قدرت رسیدن او شد و به زودی خواهد  
دانست که بد جایگزینی را انتخاب کرده  
است.

## پیام‌ها

۱. واسطه انجام عملی خوب یا بد شدن عین انجام آن عمل است. به تعبیر قرآن «من یشفع شفاعۀ حسنة یکن له نصیب منها و من یشفع شفاعۀ سیئة یکن له کفل منها؛ کسی که شفاعت [تشویق و کمک] به کار نیکی کند نصیبی از آن برای او خواهد بود و کسی که شفاعت [تشویق و کمک] به کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت. ۲. اطاعت از گمراه (شیطان) خود گمراهی بزرگتری را به دنبال دارد. «بئس للظالمین بدلاً»

## دادگاه عدل الهی

«إِذَا كَانَ الْحَكْمُ لِلَّهِ، وَالْخَصْمُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ جَوَارِحُكَ شَاهِدَةٌ عَلَيْكَ» در آن روز؛ حاکم خداوند دادخواه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اعضا و جوارحت شاهدان تو خواهند بود.

بر طبق آنچه از آیات قرآن برمی آید روز قیامت، روزی است که حتی سران مشرکان نیز، قائل به حاکمیت خداوند می شوند و خطاب به کسانی که آنان را عامل بدبختی شان می دانند، می گویند: این خدا بوده که حکم به عذاب ما و شما کرده<sup>۱۶</sup> و مگر کسی غیر از خدا شایستگی حاکمیت دارد؟<sup>۱۷</sup>

در این فراز از خطبه، نیز حضرت زینب علیها السلام با استناد به این دسته از آیات، یزید را خطاب قرار می دهند و می فرمایند: ای یزید! توبه زودی در دادگاه عدل الهی مورد محاکمه قرار می گیری، اما نه در یک دادگاه معمولی بلکه در دادگاهی که حاکم آن خداوند و طرف دعوی آن پیامبر صلی الله علیه و آله و شاهدان آن، اعضا و جوارح تو هستند و برای بدبختی و گرفتاریت به عذاب الهی، همین کافی است.

## پیام

۱. افرادی که ظلم می کنند اگرچه شاید در این دنیا بتوانند در دادگاه ظاهری با توسل به ابزار و افکار مختلف، خود را از خیلی عناوین و کارها تبرئه کنند و به پیروزی دست پیدا کنند اما در روز قیامت و در دادگاه عدل الهی دیگر هیچ روزنه‌ی امیدی برای رهایی از محاسبه و عذاب الهی وجود ندارد.

## ایمان بهتر است یا شرک؟!

«أَيُّكُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَ أضعفُ جُنْدًا» جایگاه کدام یک از شما بدتر و لشکر کدام یک ضعیف تر و ناتوان تر است. این کلام حضرت زینب علیها السلام جمله‌ای قرآنی است و به آیه ۷۵ سوره مریم اشاره دارد که درباره مشرکانی نازل شده است که در مقابل منطق خدشه ناپذیر قرآن، متوسل به ثروت



- ۲، ص ۱۹۸  
 ۱۳- همان، ص ۱۹۷  
 ۱۴- حمید محمدی، کتاب آشنایی با علوم بلاغی، نشر هاجر، ۱۳۸۹، ص ۲۳۵  
 ۱۵- سوره كهف، آیه ۵۰  
 ۱۶- سوره غافر، آیه ۴۸  
 ۱۷- سوره انعام، آیه ۱۱۴

## منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم  
 ۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، انتشارات درسهایی از قرآن، چاپ ۹، ۱۳۸۳، تهران، ج ۲  
 ۳. طباطبائی، سید محمدعلی، تجلی قرآن در کلام حضرت زینبعلیها السلام، نشر ادیان، قم، ۱۳۹۰  
 ۴. محمدی، حمیده، آشنایی با علوم بلاغی، نشر هاجر، ۱۳۸۹  
 ۵. واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.ق

و دارایی‌شان می‌شدند و به مسلمانان فخر می‌فروختند که اکنون ما غرق در مال و نعمتیم و همین نشانه برتری ما بر شماست و این دقیقاً همان فخر فروشی‌هایی است که یزید در مقابل خاندان اهل بیت علیهم السلام داشت.

خداوند در پاسخ به مشرکان، وعده را به قیامت موکول می‌کند و می‌گوید: آنجاست که معلوم می‌شود چه کسی لشکرش قوی‌تر و جایگاهی برتر دارد و این نیز همان پاسخ حضرت به یزید می‌باشد.

## پی نوشت ها

- ۱- سوره بقره، آیات ۱۶۷-۱۶۵  
 ۲- سید محمدعلی طباطبائی، تجلی قرآن در کلام حضرت زینبعلیها السلام، نشر ادیان، قم، ۱۳۹۰، ص ۲۱۵  
 ۳- سوره نساء، آیه ۴  
 ۴- سوره حجر، آیه ۲  
 ۵- سوره آل عمران، آیه ۳۰  
 ۶- سوره نساء، آیه ۱۴۸  
 ۷- سید محمدعلی طباطبائی، تجلی قرآن در کلام حضرت زینبعلیها السلام، ص ۲۲۲  
 ۸- سوره سجده، آیه ۲۲؛ سوره اعراف، آیه ۱۳۶؛ سوره روم، آیه ۴۷؛ سوره دخان، آیه ۱۶؛ سوره زخرف، آیه ۴۱  
 ۹- سوره یونس، آیه ۲۳  
 ۱۰- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹  
 ۱۱- علی بن احمد واحدی، اسباب النزول، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص ۱۳۳  
 ۱۲- محسن قرائتی، تفسیر نور، انتشارات درسهایی از قرآن، چاپ ۹، ۱۳۸۳، تهران، ج

## فراز پندجه خطبه؛ باطل نابود شدنی است

محبوبه وحید - طلبه سطح ۳

تَتَحَلَّبُ مِنْ لُحُومِنَا، وَ تَلِكُ الْجِثَّةُ  
الزَّوَاكِي يَعْتَامُهَا عُسْلَانُ الْفَلَوَاتِ، فَلَيْنِ  
أَتَّخَذْتَنَا مَغْنَمًا لَتَتَّخِذَنَّ مَغْرَمًا، حِينَ لَا  
تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ، تَسْتَصْرُخُ يَا  
ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ يَسْتَصْرُخُ بَكَ، تَتَعَاوَى  
وَ اتَّبَاعُكَ عِنْدَ الْمِيزَانِ، وَ قَدْ وَجَدْتَ  
أَفْضَلَ زَادٍ زَوْدَكَ، مَعَاوِيَهُ، قَتَلَكَ  
ذُرِّيَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...  
اما ای دشمن خدا و دشمن زاده خدا،  
من هم اکنون تو را خوار می دارم و  
سرزنش تو را به چیزی نمی شمارم  
اما چه کنم که دیده ها گریان است  
و دیده ها بریان و دردی که از کشته  
شدن حسین - که رحمت خدا بر او  
باد - به دل داریم، بی درمان است،  
سپاه شیطان ما را به جمع سفیهان  
می فرستد تا مال خدا را به پاداش  
هتک حرمت خدا به او دهند؟! این  
دست جنایت است که به خون ما  
می آلاینند و این گوشت ماست که  
زیر دندان می جوند و پیکر پاک

در فراز قبل حضرت زینب علیها السلام  
به توبیخ و سرزنش یزید پرداختند،  
در این فراز نیز به خباثتها و دشمنی  
های سلسله ناپاک بنی امیه اشاره  
کردند و پرده از چهره منافقانه یزید  
کنار زده، فرجام شوم اعمالش در  
قیامت را به وی یاد آور می شوند.  
حضرت در اینجا پرده از مکر و حيله  
یزید بر می دارند ضمن ایجاد  
بصیرت برای جبهه حق، به تخریب  
و تخطئه اقدامات جبهه باطل می  
پردازند.

مَعَ أَنِّي، وَ اللَّهِ، يَا عَدُوَّ اللَّهِ، وَ  
ابْنَ عَدُوِّهِ، إِسْتَصْغَرُ قَدْرَكَ، وَأَسْتَعْظِمُ  
تَقْرِيعَكَ غَيْرَ أَنَّ الْعَيُونَ عَبْرِي،  
وَالصُّدُورَ حَرِّي، وَ مَا يُجْزِي ذَلِكَ أَوْ  
يُغْنِي عَنَّا، وَ قَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ رَحِمَهُ  
اللَّهُ، وَ حَزْبُ الشَّيْطَانِ يَقْرَبُنَا إِلَى  
حِزْبِ السُّفَهَاءِ لِيُعْطُوهُمْ أَمْوَالَ اللَّهِ  
عَلَى انْتِهَاكِ مَحَارِمِ اللَّهِ! فَهَذِهِ الْيَأَدِي  
تَنْطَفُ مِنْ دَمَائِنَا، وَ هَذِهِ الْأَفْوَاهُ

نبوت و رسالت را در دستور کار خود قرار دادند. لحظه‌ای نور ایمان به خدا و معاد به دل‌هایشان نفوذ نکرد و آن‌گاه که در فتح مکه تمامی درها را به روی خود بسته دیدند، مجبور به پذیرش اسلام شدند.

امیرمؤمنان علیه‌السلام اسلام ظاهری امویان را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَةَ وَبَرَأَ النَّسْمَةَ مَا اسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلِمُوا وَ اسْرُوا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا اَعْوَانًا اِظْهَرُوا» به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید! آنان (بنی‌امیه) اسلام را نپذیرفتند، بلکه به ظاهر تسلیم شدند و کفر خود را پنهان داشتند و آن‌گاه که یاورانی یافتند، آن را آشکار کردند.»

ابن ابی‌الحدید معتزلی با ذکر نمونه‌های تاریخی، ایمان و اعتقاد برخی چهره‌های سرشناس بنی‌امیه را مورد تردید قرار می‌دهد. او درباره ابوسفیان می‌گوید: «بوسفیان در روز بیعت با عثمان گفت: تَلَقُّوْهَا يَا بَنِي عَبْدِ شَمْسٍ تَلَقُّوْهُ الْكُرَّةُ! فَوَاللَّهِ مَا مِنْ جَنَّةٍ وَ لَا نَارٍ!؛ ای فرزندان عبد شمس! خلافت را مانند توپ بگیرید و به یکدیگر دهید. به خدا قسم، نه بهشتی هست و نه جهنمی!»

همچنین درباره اعتقاد معاویه

شهیدان است که گرگان بیابان از هم می‌ربایند اگر ما را به غنیمت می‌گیری، غرامت خود را می‌گیریم، در آن روز، جز کرده زشت، چیزی نداری، تو، پسر مرجانه رابه فریاد می‌خوانی و او از تو یاری می‌خواهد، با یارانت در کنار میزان ایستاده و می‌بینی نیکوترین توشه‌ای که معاویه برای تو ساخت، کشتن فرزندان پیغمبر - که درود خدا بر او و آلش باد - بود که برگردنت انداخت.

### شجره ملعونه

«مَعَ اُنَى، وَ اللّٰه، يَا عَدُوَّ اللّٰه، وَ ابْنَ عَدُوِّهِ؛ اما ای دشمن خدا و دشمن زاده خدا»

حضرت زینب‌علیها‌السلام در اینجا به سبقه دشمنی آل‌امیه با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت‌علیهم‌السلام اشاره می‌فرماید در چند کلمه دودمان او را به باد می‌دهد و در آن مجلسی که از نقاط مختلف حکومت اسلامی برای شرکت در جشن خلیفه مسلمین گردهم آمده بودند، حضرت، پرده از چهره منافقانه این سلسله خبیث بر می‌کشد.

بنی‌امیه از همان آغاز بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دشمنی خود را با دین خدا آشکار ساختند و تکذیب

می‌نویسد: «بسیاری از اصحاب ما در دین معاویه خدشه وارد کرده‌اند و به تفسیق او اکتفا نکرده‌اند. آنان درباره معاویه گفته‌اند: او ملحدی بود که به نبوت هیچ اعتقادی نداشت»<sup>۳</sup>

او در ادامه برای تأیید و اثبات ادعایش، داستان ملاقات و گفتگوی مغیره بن شعبه با معاویه را مطرح می‌کند که در آن، معاویه پس از ابراز تأسف و ناراحتی شدید از کمرنگ شدن یاد و خاطره خلفا، می‌گوید: «این شخص (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) روزی پنج بار در اذان نامش با فریاد تکرار می‌شود، یاد چه کسی پس از او زنده خواهد ماند؟ به خدا قسم، نام او را دفن خواهیم کرد!»<sup>۴</sup>

در قرآن کریم آیات متعددی است که «بنی‌امیه» را مذمت و نکوهش می‌کند و این معنا در کتب تفسیر از باب بیان سبب نزول یا تأویل و تطبیق بر مصداق، انعکاس یافته است.

یکی از معروفترین آنها، آیه ۶۰ سوره اسراء است: «وَ إِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرَّءْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نَحْوَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا»

«و (به یاد آور) وقتی را که به تو گفتیم: پروردگارت بر مردم احاطه دارد و ما آن رؤیایی که به تو نشان دادیم و (همچنین) آن درخت لعن شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ایشان را می‌ترسانیم، ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی‌افزاید.» اینک منظور از رؤیا و شجره ملعونه چیست؟ میان مفسران بحث و اختلاف هست.

طبری می‌گوید: «مفسران در مورد این آیه اختلاف نظر دارند. برخی می‌گویند: این رؤیا در بیداری بود که در شب معراج پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به بیت المقدس اتفاق افتاد... برخی دیگر معتقدند: آن رؤیا خوابی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله دید و آن، ورود آن حضرت همراه اصحاب به مکه بود. این رؤیا زمانی بود که هنوز رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه حضور داشت. گروه سوم می‌گویند: منظور خوابی است که پیامبر صلی الله علیه و آله دید و آن، این بود که بنی‌امیه مانند میمون از منبرش بالا و پایین می‌روند. با دیدن این رؤیا، ایشان تا زمان وفاتش خندان دیده نشد»<sup>۵</sup>

می آورد و یزید روسیاه ترین گنهگار است. در واقع حضرت در عین دفاع از جبهه حق وشهدای کربلا، سعی دارند باطل و منکر را کوچک و حقیر معرفی کنند این همان وظیفه مومن در مقابل منکر است، کوچک شمردن و ابراز انزجار از منکر اولین مرتبه نهی از منکر است، که پوچی و بی ارزشی آن را هدف گرفته است. وقتی حقیقتی از بیت وحی، زینب کبری علیها السلام، با خبیثی از شجره ملعونه هم کلام شود؛ هدف در این مکالمه چیزی جز احقاق حق و کنار زدن پرده از چهره منافقانه یزید نیست، وگرنه زینب را با یزید چکار؟!!!

### ضیافت بلا

«غَيْرَ أَنَّ الْعَيُونَ عَبْرِي، وَالصُّدُورَ حَرِّي» اما چه کنم که دیده ها گریان ست و دیده ها بریان  
این جمله اشاره دارد به عمق فاجعه وسوز داغ عظیمی که از قتل ابی عبدالله الحسین علیه السلام وبارانش برقلب زینب علیها السلام نشسته است، همان که در زیارت عاشورا آمده که می فرماید: «أَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»  
براستی چه مصیبت بزرگی و

### خواری و ذلت نتیجه گناه و

مقابله با امام علیه السلام

«إِسْتَصْغِرُ قَدْرَكَ وَأَسْتَعْظِمُ تَقْرِيعَكَ» من هم اکنون تو را خوار می دارم و سرزنش تو را به چیزی نمی شمارم.

«اسْتَصَغَرَ» از ماده صغیر(اسْتَصَغَرَ- اسْتِصْغَارًا [صغراً]ه)وبه معنای؛ «او را کوچک شمرد، او را خوار و حقیر کرد»<sup>۶</sup> «تقریع» از ماده قرع و به معنای «کوفتن چیزی بر چیزی.»<sup>۷</sup> و یکی از اسامی قیامت «قارعه» است؛ «الْقَارِعَةُ. مَا الْقَارِعَةُ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ قَارِعَةُ قِيَامَتِ» از آن جهت قارعه نامیده شده که کوبنده عجیبی است و همه چیز و حتی زمین و کوهها را میکوبد.<sup>۸</sup>

حضرت در این عبارت، خواری، مذلت و حقارت یزید را به رخ او می کشد و مذلتی که از سر گناهان بر وی پدید آمد. قرآن کریم می فرماید: «وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ مِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ...»<sup>۹</sup>؛ و اما کسانی که مرتکب گناهان شدند جزای بدی بمقدار آن دارند و ذلت و خواری چهره آنها را می پوشاند و هیچ چیز نمی تواند آنها را از [مجازات] خدا نگهدارد.<sup>۱۰</sup>

گناه با خودش ذلت و خواری

چه داغ گرانی بود در اسلام و در تمام آسمانها و زمین.

در فلسفه بلا و مصیبت آمده است؛ که هدف از گرفتار کردن بندگان به بلا و مصیبت، امتحان، رشد و تعالی ایشان است. لذا صبر و حلم در مقابل مصیبت لازم و عبادت شمرده شده است، چنانکه خداوند در آیه ۱۵۵ بقره می فرماید: «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» و بی تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و کسان و محصولات [نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می کنیم. و صبرکنندگان را بشارت ده.

حضرت زینب علیها السلام در عین حفظ عزت و دفاع از حق، به این داغ سنگین و ابتلاء عظیم اشاره می فرمایند.

### داغی التیام نیافتنی

«وَمَا يُجْزِي ذَلِكُ أَوْ يُغْنِي عَنَّا، وَقَدْ قَتِلَ الْحُسَيْنُ رَحِمَهُ اللَّهُ» و دردی که از کشته شدن حسین - که رحمت خدا بر او باد- به دل داریم، بی درمان است، گویا حضرت در این فراز به دنبال بیان هدفشان از گفتگو با یزید

هستند، در حالی که در جملات پیشین او را با کوبنده ترین عبارات خطاب قرار دارند در عین حال داغ و سوز سینه را بیان داشته و باز روی کلام را به همان احقاق حق برمی گردانند. یعنی هدف خود را از بیان این خطبه درد دل نمی دانند، چه اینکه سرزنش کردن یزید دردی از داغ «امام حسین علیه السلام» برای «زینب علیها السلام» کم نمی کند. او به دنبال حق و حقیقت و افشای آن است لذا به اقتضاء این مهم در مجلس یزید لب به سخن گشوده است.

شاید این عبارات دقیق، که جبر و کراهت زینب از سخن گفتن با یزید را واگویه می کند؛ می خواهد این مسئله را روشن کند؛ که اساسا گفتگوی زن مجلله با نامحرم و در جمع نامحرمان پسندیده نیست جز اینکه او را به جبر و اسارت در آن جایگاه قرار داده باشند و در مقام دفاع و احقاق حق باشد، چه اینکه اسلام هم بر این مهم تاکید دارد.

### تمسخر و توهین جبهه ی حق؛

#### حربه ی ابلیسیان

”و حِزْبُ الشَّيْطَانِ يَقْرُبُنَا إِلَى حِزْبِ السُّفَهَاءِ لِيُعْطُوهُمْ أَمْوَالَ اللَّهِ عَلَى

سوم شخص بهره برده و البته به مسیر ابلیس و ایادی او تاکید می کنند، این عبارت کنایه و البته ریشه ای، در تاثیر گذاری، بسیار موثر است چنان که علمای علم بلاغت می گویند: «الکنایه ابلاغ من التصريح». پرده از چهره منافقان کنار زدن و مکر و حيله و هدف آنها را به بهترین وجه روشن کردن؛ همه اینها در این عبارت نهفته ست. همز و لمز به معنای عیب جویی و تمسخر، همان دسیسه ای بود که منافقین علیه مومنان و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به کار گرفتند که در سوره «همزه» با بیان هدف اینها که جمع آوری مال و منال دنیا است: «وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ۱ وای بر هر بدگوی عیبجوی، الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۲ که مالی گرد آورد و برشمردهش»

کوچک  
شمردن  
منکر،  
اولین مرتبه  
نهی از منکر  
است،  
که پوچی و  
بی ارزشی  
آن را  
هدف  
گرفته است.

انتهاکِ محارِمِ الله! «سپاه شیطان ما را به جمع سفیهان می فرستد تا مال خدا رابه پاداش هتک حرمت خدا به او دهند؟»

حضرت زینب علیها السلام در این عبارت به یکی از تاکتیک های منافقان اشاره می کند، روشی که هدف آن کسب دنیا و زرق و برق آن ست و آن تاکتیک ترور شخصیت مومنین است، یکی از حجه های سنگین کفار و منافقین علیه حزب الله تمسخر و تخریب شخصیت آنان ست.

دقیقا آیه ای از قرآن به این مهم اشاره می کند، می فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup>

چون به آنان گویند: ایمان آورید چنان که دیگر مردم ایمان آوردند می گویند: آیا ما هم مانند سبک مغزان ایمان آوریم؟! آگاه باشید! قطعاً اینان خود سبک مغزند، ولی [از شدت کوردلی به این حقیقت] آگاه نیستند. حضرت زینب علیها السلام در نهایت بلاغت به این دسیسه اشاره می کنند، وجه بلاغت در این فراز به نوع خطاب حضرت اختصاص دارد، حضرت یزیدیان را مستقیم خطاب نکردند بلکه از صیغه

(سوره همزه - آیات ۱-۲)

حضرت زینب علیها السلام هم می فرماید این اقدام که ما را ملحق به سفیهان می کنید، کسب زخارف دنیوی ست. دنیا و حبّ آن بزرگترین بلکه ام الرذائل نامیده شده است و یکی از جلوه های محبت دنیا همین مقابله علیه حق ست.

نکته بسیار مهم در این فراز همین مسئله است؛ اینکه مومنین از طعن و تمسخر منافقین و کفار متأثر نشوند و بدانند که دشمنان خود مستحق طعن و تمسخر هستند، پس با اتکا به نصرت الهی در مسیر حق استقامت ورزند.

### اوج فاجعه کربلا در کلام حضرت زینب علیها السلام

«فهذه الأیادی تنطف من دمائنا» این دست جنایت است که به خون ما می آیند،

«و هذه الأفواه تتحلب من لُحومنا» و این گوشت ماست که زیر دندان می شوند.

«تنطف و تحلب» هردو به معنای «تَسَيَّل» هستند حضرت در اینجا اوج سفاکی و خونخواری یزید را به تصویر می کشند، حرص و ولعی که

در ریختن خون ولی خدا داشتند، همچون حیوانات درنده دست به قتل سالله نبوت زدند.

«تلك الجثث الرّواکی یعتامها عسلانُ الفلّوات» و پیکر پاک شهیدان است که گرگان بیابان از هم می ربایند.

این فراز به دنبال عبارت قبلی، از چهره منفور و فاسد و قتال این سلسه ناپاک پرده برمی دارد، آنها تنها دست به خون ابی عبدالله علیه السلام نزدند بلکه بعد از شهادت امام علیه السلام به بدن او و سایر شهدا جسارت کردند، چنان که حضرت آنها را به گرگانی تشبیه می کنند که برای کسب دنیای حرام، به واسطه گرفتن دستخوش از فرمانده شان، برای غارت بدن حضرت از هم سبقت می گرفتند؛ آن چنان که مقاتل نقل می کنند؛ بعد از شهادت امام علیه السلام، لباس و انگشتر حضرت را به غارت بردند.

این یزیدی که امروز به این عمل شنیع خود افتخار می کند نوه هند جگرخوار ست. همان کسی که بدن حمزه سیدالشهداء علیه السلام را مثله کرد و جگر حضرت را به نشانه انتقام به دندان گرفت.

حضرت زینب علیها السلام عقبه ناپاک او را برایش تشریح کردند؛ شاید اینان



برده فروش‌ها برده و حریم آنان را هتک کرده بود، این بزرگترین و دردآورترین اقدام یزید علیه امام حسین علیه السلام بود.

درعین حال با صلابت و قدرت او را تهدید می‌کنند که غرامت این همه هتک حرمت و جنایت را از او باز پس خواهند گرفت.

«حِينَ لَا تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ»، در آن روز، جز کرده زشت، چیزی نداری. حضرت غرامت خواهی از این هتک حرمت را به قیامت موكول می‌کند، چه اینکه دنیا ظرفیت عقاب این جرم سنگین را ندارد.

حضرت در این فراز با تمسک به آیه ای از قرآن به مسئله مهم عواقب اعمال در قیامت اشاره می‌کنند، درآیه ۱۸۱ و ۱۸۲ آل عمران می‌فرماید: «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ»؛ هر آینه خدا شنید سخن (جاهلان) آن کسان را که گفتند: خدا فقیر است و ما دارا، البته ما گفتارشان را ثبت خواهیم کرد با این گناه بزرگشان که انبیاء را به ناحق کشتند، و گوئیم: بچشید عذاب آتش سوزان را. «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ

همان درندگانی اند که ملائکه زمان خلقت از آنان سخن به میان آوردند؛ «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ»<sup>۱۲</sup>

درنده خویی صفت عشاقی ست که معبودشان دنیاست، برای رسیدن به این دنیا از هیچ امری فروگذار نیستند.

## قیامت، فرجام کارها

«فَلَمَّا اتَّخَذْنَا مَغْنَمًا لَتَّخِذَنَّ مَغْرَمًا»، اگرما را به غنیمت می‌گیری، غرامت خود را می‌گیریم،

در این عبارت فصیح حضرت به این جنایت یزید اشاره می‌کنند، که اهل بیت علیهم السلام و زنان حرم رسول الله صلی الله علیه و آله را بعد از قتل فرزندش به اسارت گرفته و حتی آنان را به بازار

یکی از  
هجمه‌های  
سنگین  
کفار و  
منافقین  
علیه  
حزب الله  
همز و لمز  
و تمسخر  
و تخریب  
شخصیت  
آنان است.

تَيْسٍ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ» این عذاب به خاطر کارهایی است که به دست خود پیش فرستادید و خدا هرگز در حق بندگان ستم نخواهد کرد.

در این آیات بحث «تقدیم‌ید» به معنای پیش فرستادن و نتیجه اعمال است، حضرت زینب علیها السلام، یزید را از عواقب جبران ناپذیر عملش آگاه کرده با ظرافت او را تهدید و مرعوب و مغلوب می‌سازند.

اینکه انسان همواره نتیجه‌ی اعمالش را می‌بیند مسئله بسیار مهمی است، چنانکه در سوره اسراء، آیه ۱۳ می‌فرماید: «وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا»؛ و ما مقدرات و نتیجه اعمال هر انسانی را طوق گردن او ساختیم (که ملازم و قرین همیشگی او باشد) و روز قیامت کتابی (که نامه اعمال اوست) بر او بیرون آریم در حالی که آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آن را یک مرتبه ملاحظه کند.

در آیه ۱۸ سوره حشر این مسئله را متذکر می‌شود، که پیش از رسیدن روز عقاب، خود به فکر عواقب اعمالمان باشیم؛ و با تقوای الهی زاد و توشه فراهم کنیم.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»

الا ای اهل ایمان، خداترس شوید و هر نفسی نیک بنگرد تا چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می‌فرستد، و از خدا بترسید که او به همه کردارتان به خوبی آگاه است.

### استغاثه دوزخیان از یکدیگر در روز قیامت

«تَسْتَصْرِخُ يَا ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ يَسْتَصْرِخُ بِكِ» تو، پسر مرجانه رابه فریاد می‌خوانی و او از تو یاری می‌خواهد.

«تستصرخ» از ریشه صرخ؛ به معنای صیحه شدید، (فریاد) و یاری طلبیدن و یاری کردن است صریح به معنی فریاد رس و کمک نیز آمده است.<sup>۱۳</sup>

این واژه در آیاتی از قرآن در خصوص ابلیس و ایادی او که اهل جهنم هستند آمده است، در سوره ابراهیم آیه ۲۲ می‌فرماید:

«وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛

آیات قرآن سرانجام مختوم و خطرناک  
بیزیدرا به او یاد آور می شوند.

### بدترین توشه

«تتعاوی واتباعك عند المیزان، و

قد وجدت أفضل زادٍ زودك، معاویةُ  
، قتلك ذریة محمد صلی الله علیه

وآله...»؛ با یارانانت در کنار میزان

ایستاده و می بینی نیکوترین توشه

ای که معاویه برای تو ساخت، کشتن

فرزندان پیغمبر- که درود خدا بر او و آتش

باد- بود که برگردنت انداخت.

در این فراز حضرت علیها السلام همچنان

عاقبت مخالفت و مقابله با ولی خدا را

برای دشمن بازگو می کند.

وقتی مدار و محور زندگی، حب

دنیا قرار گرفت، مخالفت با ولی

خدا تنها مسیر پیش رو است، در این

بیراهه بدترین گناهان، توشه راه انسان

می شود، حتی ممکن است دستش

به خون پاک ترین انسانها نیز آلوده

شود و این بدترین توشه برای آخرت

است. اگر انسان باور کند که دنیا

فانی ست و سرای آخرت باقی ست،

قطعا برای دست یابی به دنیا از هر

راهی گرفتار جرم و جنایت نمی شود.

قرآن در خصوص تهیه زاد و توشه

برای آخرت می فرماید: «وَتَزَوَّدُوا

و چون حکم (قیامت) به پایان رسید (و

اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند)

در آن حال شیطان (برای نکوهش و

تمسخر کافران) گوید: خدا به شما

به حق و راستی وعده داد و من به

خلاف حقیقت شما را وعده دادم و

خلف وعده کردم و بر شما (برای

وعده دروغ خود) هیچ حجت و دلیل

قاطع نیاوردم و تنها شما را فراخواندم

و شما اجابت کردید، پس (امروز

شما ابلهان که سخن بی دلیل مرا

پذیرفتید) مرا ملامت مکنید بلکه

نفس (پر طمع) خود را ملامت کنید،

که امروز نه من فریادرس شما

خواهم بود و نه شما فریادرس من

توانید بود، من به شرکی که شما به

(اغوی) من آوردید معتقد نیستم، آری

(در این روز) ستمکاران عالم را عذابی

دردناک خواهد بود.

قیامت دوزخیان یکدیگر را به کمک

و فریاد خواهی می طلبند و ناله سر

می دهند اما در واقع دعوت کننده به

شرّ و قبول کننده، باری از گناه هم

کم نمی کنند، بلکه توانایی ندارند.

با مشاجراتی که بین آنها رخ میدهد

ویکدیگر را مقصر می خوانند، تنها

عذاب دوزخ را بر خود شدیدتر می کنند.

حضرت علیها السلام با تاسی به

قَائِنَ خَيْرِ الرَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونَ يَا أُوْلِي  
الْأَلْبَابِ»<sup>۱۴</sup>؛ توشه (تقوا برای راه آخرت)  
برگیرید که بهترین توشه این راه  
تقواست و از من پروا کنید ای صاحبان  
عقل.

### پی نوشت ها

- ۱- نهج البلاغه نامه ۱۶.
- ۲- شرح نهج البلاغه ج ۱۵ ص ۱۱۸.
- ۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی  
الحدید، ج ۵، ص ۸۵.
- ۴- شرح نهج البلاغه، ابن ابی  
الحدید، ج ۵، ص ۸۵ و ۸۶.
- ۵- جامع البیان، ج ۱۵، ص ۷۶ و ۷۷.
- ۶- فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی:  
ترجمه کامل المنجد الابدی، متن ۵۹
- ۷- قاموس قرآن، ج ۵، ص ۳۰۸
- ۸- قاموس قرآن، ج ۵، ص ۳۰۸
- ۹- یونس ۲۷
- ۱۰- بقره ۱۳
- ۱۱- بقره ۳۰
- ۱۲- قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۲۰
- ۱۳- بقره ۱۹۷

### منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی  
الفبایی عربی، مهیار، رضا، انتشارات اسلامی  
تهران، ۱۳۷۵، دوم.
- ۳- شریف الرضی، نهج البلاغه، محمد بن  
حسین، دشتی، محمد، مشهور، ایران؛ قم.
- ۴- طبری ابوجعفر محمد بن جریر، جامع  
البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، لبنان-  
بیروت ۱۴۱۲ هـ. ق، اول.
- ۵- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن  
، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۴۱۲ ق .
- ۶- قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، دار  
المرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ش .
- ۷- معتزلی ابن ابی الحدید، شرح نهج  
البلاغه، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی،  
قم، ۱۴۰۴ ق .

## فراز ششم خطبه؛ ننگ ابدی برای فاسقان

زینب سجادی پویا- طلبه سطح ۳

و اسیر کردن خاندان او و شکست اهداف ضد دینی و ضد قرآنی (تو) هیچ گاه از تاریخ زندگی تو پاک نخواهد شد. حمد مخصوص خدایی است که برای جوانان و سادات بهشتی سعادت و مغفرت داد و بهشت را برایشان واجب کرد. از خدا می‌خواهم که درجات آنها را بالا ببرد و به آنان فضیلت زیاد دهد که او ولی قادر است.

### توحید اندیشی

قَوْلَ اللَّهِ مَا اتَّقَيْتُ عِنْدَ اللَّهِ؛ به خدا قسم از غیر خدا نمی‌ترسم  
و لا شکوایِ إِلَّا إِلَى اللَّهِ؛ و شکایت به غیر خدا نمی‌برم

### نکات

- ۱- توحید اندیشی حضرت زینب علیها السلام با توجه به مصائب سنگینی که بر ایشان وارد آمده بود.
- ۲- شکایتی که حضرت مد نظر

در این فراز که فراز پایانی خطبه حضرت زینب علیها السلام می باشد؛ به نکاتی همچون توحید اندیشی، تجلی کلام الهی و حسن ختام پرداخته شده است.

قَوْلَ اللَّهِ مَا اتَّقَيْتُ عِنْدَ اللَّهِ؛ و لا شکوایِ إِلَّا إِلَى اللَّهِ؛ فَكَذْ كَيْدِكَ وَاسْعَ سَعِيكَ و ناصب جهدك فوالله لا يُرِحُّ عُنْكَ عَاژٌ مَا أَتَيْتَ إِلَيْنَا أَبَدًا؛ و الحمد لله الَّذِي خَتَمَ بِالسَّعَادَةِ و المَغْفِرَةِ لِسَادَاتِ شَبَّانِ الْجَنَانِ فَأَوْجِبَ لَهُمُ الْجَنَّةَ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَرْفَعَ لَهُمُ الدَّرَجَاتِ و أَنْ يُوَجِّبَ لَهُمُ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ.

به خدا قسم از غیر خدا نمی‌ترسم و شکایت به غیر خدا نمی‌برم از هر ترفندی داری به کار گیر و هر کوششی از تو ساخته است بکن و هر نیرویی می‌توانی برانگیز. لیکن به خدا سوگند که هرگز این ننگ (کشتن فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله

دارند، نمی‌تواند محدود به مسائل مادی و دنیوی باشد بلکه اشاره به کج اندیشی و بد فهمی مردمان روزگار خویش و جفایی که به مقام ولایت با توجه به پیشینه‌ای که در ذهن مردم از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشت، دارد.

### تجلی کلام الهی

فَكِدْ كَيْدَكَ وَاسْعَ سَعِيكَ، وَ نَاصِبَ جَهْدِكَ از هر ترفندی داری به کار گیر و هر کوششی از تو ساخته است بکن و هر نیرویی می‌توانی برانگیز.

اگر یک مرور با تفکر و تعلق جان و دل به این خطبه داشته باشیم، می‌فهمیم کلمات بیان شده و اثر این کلمات باید متصل به یک منبع الهی باشد چون حضرت زینب علیها السلام با توجه به تربیت علوی و ولایی که نزد پدر و مادر و برادران خود داشت، ظرفیت این اتصال به این منبع الهی را پیدا کرده بود.

وقتی این اتصال صورت می‌گیرد، کلام، کلام الهی می‌گردد و با ذکر این نکته؛ اثر معجزه آسای خطبه حضرت زینب علیها السلام را درک می‌کنیم. این فراز خطبه، مضمونی از آیه ۱۶ سوره طارق است.

### شقاوت ابدی بدخواهان

فَوَاللَّهِ لَا يُرْحِضُ عَنكَ عَارًا مَا أَتَيْتَ  
إِلَيْنَا أَبَدًا؛ لیکن به خدا سوگند که هرگز این ننگ (کشتن فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و اسیر کردن خاندان او و شکست اهداف ضد دینی و ضد قرآنی تو) هیچ گاه از تاریخ زندگی تو پاک نخواهد شد.

### نکات

۱- شقاوت ابدی برای کشتندگان فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله: «لَا يُرْحِضُ عَنكَ»

لطف خداوند این است که کشنده‌ی حسین علیه السلام و دیگر سرافرازان درگاه الهی برای ابد به شقاوت افتادند و لعن و نفرت و دوری از رحمت الهی عاید آنان گردید و کسی جز یزید و حامیانشان زیان نکرد.

۲- دلیل به کار بردن قسم در خطبه حضرت زینب علیها السلام: لَأَنْجَا که کلام حضرت زینب علیها السلام متصل به قرآن است و اینکه حضرت در این خطبه زیاد قسم خورده‌اند در حالی که در دستورات دینی ما قسم خوردن کراهت دارد پس چرا حضرت از آن استفاده کرده‌اند؟! زیرا کلام ائمه‌ی ما وصل به

حوادث و مصیبت‌هایی که بر او و برادرش امام حسین علیه‌السلام وارد شده بود، خطبه خود را با حمد و سپاس خداوند به پایان رساند. این موضوع شدت ایمان و استقامت ایشان را می‌رساند.

او نشان داد که هیچ تزلزلی عزم و اراده‌ی او را تغییر نمی‌دهد بلکه تا پایان راه لحظه‌ای از هدف خود که با آگاهی انتخاب کرد و در راه حفظ آن، این همه مصائب را متحمل شد، غافل نخواهد ماند. حمد و ثنای او، راضی بودن به قضا و قدر الهی را ثابت کرد.

۲- رحمت و مغفرت الهی نصیب کسانی می‌شود که تحت امر ولی زمان خود باشند. (ولایت مداری)

۳- رحمت و مغفرت را در شهادت دانستند، شهادت، مرگ افتخار آفرین است که هم در این جهان و هم در جهان آخرت موجب سربلندی و سرافرازی شهید است و خداوند این افتخار بزرگ را شامل حال بهترین بندگان می‌کند و خداوند آن را با بهترین صورت، نصیب امام حسین علیه‌السلام و برادران و برادرزادگان و فرزندان وی و خواهرزادگان فرمود. (أفضل الموت القتل فی سبیل الله -

کافی، ج ۵، ص ۵۴) آن بزرگ بانو، خدا

قرآن و وحی است و دلایل وجود قسم در قرآن، یکی به دلیل تأکید بر روی مطلب و دیگری بیان عظمت چیزی که به آن سوگند یاد می‌کنند زیرا هیچ کس به موجودات کم ارزش سوگند یاد نمی‌کند.

این قسم‌ها نشان از عظمت کلام و درک حضرت زینب علیها السلام از وقایع و شرایط دارد. دلیل دیگر می‌تواند شرایط زمانی باشد که عرب برای تأکید کلام خود از آن استفاده می‌کرده است.

## حسن ختام

و الحمد لله الّذی ختم بالسّعادة و المغفرة لِساداتِ شبّان الجنانِ فأوجبَ لهمُ الجنّةَ أسألُ الله أن يرفعَ لهمُ الدّرجاتِ و أن یوجبَ لهمُ المزیدَ من فضلهِ فإنّه ولیّ قديرٌ.

حمد مخصوص خدایی است که برای جوانان و سادات بهشتی سعادت و مغفرت داد و بهشت را برایشان واجب کرد. از خدا می‌خواهم که درجات آنها را بالا ببرد و به آنان فضیلت زیاد دهد که او ولی قادر است.

## نکات

۱- حضرت زینب علیها السلام با تمام

- ۵- ارشاد القلوب، ابومحمد حسن بن دیلمی، ترجمه دکتر عبدالحسین رضایی، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ج ۲، ۱۳۶۲
- ۶- بزرگ زنان صدر اسلام، احمد حیدری، انتشارات زمزم هدایت، چاپ چهارم، ۱۳۸۳
- ۷- حماسه حسینی، مرتضی مطهری، چاپ صدرا
- ۸- زینب قهرمان، دختر علی؛ احمد صادقی اردستانی، نشر مطهر، ج ۳، ۱۳۷۶

را بر این نعمت عظمی و موهبت کبری حمد و سپاس می گوید و شکر خداوند را به جای می آورد.

۴- با توجه به اینکه جامعه آن روز دچار بی ایمانی و ترس شده بودند و خداوند متعال و قدرت او را در پس گیری ندای مظلوم، فراموش کرده بودند، حضرت زینب علیها السلام در پایان خطبه از ویژگی قدرت خداوند سخن می گوید که هم یادآوری باشد برای مردمان کج اندیش آن زمان و هم اینکه بیان دارند که قادر مطلق تنها خداوند است و نباید انسان به ظواهر (زیادی سپاهیان یزید و...) دل ببندد و تنها خداوند قادر است ندای مظلوم را پاسخ دهد و ظالم را به سزای اعمالش به بدترین شکل برساند. (تاریخ گواه آن است)

## منابع و ماخذ

\* قرآن کریم

- ۱- لسان العرب و مراجعه به نرم افزار جامع التفاسیر (کتب لغوی)
- ۲- تجلی قرآن در کلام حضرت زینب علیها السلام - سید محمد علی طباطبائی، ادیان، بهار، ۱۳۹۰
- ۳- الکافی، ج ۵، ص ۵۴.
- ۴- احوالات حضرت زینب علیها السلام، سید علی نقی فیض الإسلام، انتشارات فیض الإسلام، چاپ اول، ۱۳۷۴



## سوالات مسابقه این شماره

جهت شرکت در مسابقه پیامکی عقیده، پاسخ سوالات خود را تا پایان بهمن ماه به سامانه ۰۹۱۳۹۰۹۱۳۳۰۰۳۳۰۰ ارسال نمایید.

خودش جایگاهی بزرگ قائل بود.  
 (ج) اگر زن‌ها در جامعه مسلمان به حجاب پایبند باشند، در آن جامعه مردان غیور و مبارز تربیت می‌شوند که از شهادت باکی نخواهند داشت.  
 (د) حضرت زینب علیها السلام یزید را به سخنان گذشته خودش - که ادعای عدالت داشت - توجه می‌دهد.

۳. در این فراز از کلام حضرت زینب علیها السلام «يَاهِرَاقِكِ دِمَاءَ ذَرِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَجُومَ الْأَرْضِ مِنْ آلِ عَبْدِ الْمَطْلَبِ» مراد از «نَجُومِ الْأَرْضِ» چیست؟

(الف) اهل بیت علیهم السلام وسیله ی هدایتند  
 (ب) اهل بیت علیهم السلام امان خداوند برای مردم هستند  
 (ج) استعاره از نجوم الارض درباره ی فرزندان آل عبدالمطلب می تواند اشاره به هدایت گری این خاندان پاک در میان تاریکی برای اهل زمین باشد.  
 (د) همه موارد

۱. آیه به کار برده شده از سوی حضرت زینب علیها السلام در فراز اول اشاره به چه چیزی دارد؟ «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لَهُمْ لِيُذَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»

(الف) تکبر عامل سقوط انسانیت  
 (ب) برخی گمانها، گناه است  
 (ج) گاهی نعمت، سبب غفلت است  
 (د) اقتدار کلامی در برابر باطل

۲. این سخن حضرت علیها السلام «كَيْفَ يُسْتَبْطَأُ فِي بَغْضَتِنَا مَنْ نَظَرَ إِلَيْنَا بِالشَّنَقِ وَ الشَّنَانِ وَ الإِحْنِ وَ الأَضْغَانِ» اشاره به چه چیزی دارد؟

(الف) نگاه کردن نامحرمان به سوی خاندان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله در حالی که آنها کمترین حجاب را داشتند.  
 (ب) یزید از روی کبر به اهل بیت پیامبر صلوات الله علیه نگاه می‌کرد چون اجدادش کلیددار کعبه بودند و او برای

۴. این فراز از کلام حضرت زینب علیها السلام اشاره به کدام آیه از قرآن دارد؟ «اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا، وَانْتَقِمْ لَنَا مِمَّنْ ظَلَمْنَا؛ خدایا حق ما را بستان و از کسانی که بر ما ستم کردند، انتقام بگیر»

(الف) «رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ؛ کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند،) چه بسا آرزوی کنند که ای کاش مسلمان بودند!»

(ب) «قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا؛ بگو: «کسی که در گمراهی است، باید خداوند به او مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند: یا عذاب (این دنیا)، یا (عذاب) قیامت! (آن روز) خواهند دانست چه کسی جایش بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!».

(ج) «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می بیند و آرزو می کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، بر حذر می دارد و (در عین حال) خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.»

(د) «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا؛ خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها (ی دیگران) را اظهار کند مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست.»

۵. این فراز از کلام حضرت زینب علیها السلام اشاره به چه چیزی دارد؟ «قَوْلَ اللَّهِ مَا اتَّقَيْتُ عِنْدَ اللَّهِ؛ و لا شکوای إِلَّا إِلَى اللَّهِ؛ به خدا قسم از غیر خدا نمی ترسم و شکایت به غیر خدا نمی برم.»

(الف) ولایت، رمز سعادت جامعه

(ب) زیبا نگری

(ج) توحید اندیشی

(د) شقاوت ابدی بدخواهان

۶. در این فراز از سخنان حضرت زینب «تستصرخ یا ابن مرجانه و یستصرخ بک» منظور از «صرخ» چیست؟

(الف) اوج سفاکی و خونخواری یزید را می رساند.

(ب) به معنای صیحه شدید و یاری کردن و یاری طلبیدن است.

(ج) به شدت عصبانی و پریشان شد.

(د) تسلیم شد.



امام سجاد علیه السلام خطاب به حضرت زینب سلام الله علیها  
وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مَفْهَمَةٍ

و تو بحمد الله دانشمند استاد ندیده ای و دارای فهم و معرفت  
بالائی هستی بدون اینکه کسی تو را آموخته باشد.

احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۰۵



مقام معظم رهبری حفظه الله

نام زینب و کار زینب امروز الگوست

و در دنیا ماندگار است.

بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۸.۱۱.۱۹



زینب  
حضرت  
مدرس علمی  
تاسیس ۱۳۵۴

www.zeynaby.ir

نشانی: آیت الله بهجت ۲۳، نبش  
چهارراه اول سمت راست پ ۴۸  
تلفن: ۵۹-۲۲۹۰۰۵۶ سامانه  
پیام کوتاه: ۳۰۰۰۳۳۰۰۱۳۹۰۹۱  
info@zeynaby.ir